بسم الله الرحمن الرحيم

فتح

إنا فتحنا لك فتحاً مبينا

دور دوم نشراتی شماره نهم دوشنبه ۲۶ ثور ۱۳۷۳ هـ ش
۵ ذالحجة ۱٤۱٤ هـ ق. ۱٦ می ۱۹۹٤ م.

په زړو مکروریانو کی د ملیشه قواوو حمله په شا وتنبول شوه

د کابل نه په را رسیدلی خبرونو کی ویل شویدی چی د افغانستان اسلامی دولت غښتلی اسلامی اردو د ملیشه قواوو حمله د زړو مکروریانو په سیمه کی په شا تنبولی ده.

همداراز د افغانستان اسلامی دولت ددفاع وزارت یوه تن ویاند ویلی دی چی پدغه حمله کی د ملیشه قواو ګڼ شمیر مړه او ټپیان شویدی.

میدان هوائی ملیشه های دوستم در مزار شریف در هم کوبیده شد.

منابع خبري از افغانستان گزارش دادند روز ۱٦ ثور سال جاري، مرکز عمده هوائي ملیشه ها در مزار شریف هدف بمباردمان نیروی هوائی دولت اسلامی قرار گرفت.

بی بی سی ضمن تأئید این خبر افزود حملات موفقانه جنگنده هاي دولت هنگام روز و در دو نوبت انجام شد که در نتیجه خسارات قابل ملاحظه به وسایط نظامی مستقر در میدان وارد آمد.

محترم استاد برهان الدین ربانی رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان در مصاحبه با خبرنگاران:



دولت استراتیژی صلح فعال و تفاهم را تعقیب می کند

• استراتیژی دولت استراتیژی صلح جویانه است

ص(۱۰)

در ادامه عملیات پاکسازی شمال از وجود ملیشه ها

شهر کهنه بغلان و اطراف آن بطور کامل پاکسازی گردید

به گزارش رادیو افغانستان طی عملیات موفقیت آمیز مجاهدین و اردوي اسلامی در شمال کشور شهر کهنه بغلان و مناطق اطراف آن از وجود ملیشه های هم آهنگی بطور کامل پاکسازی گردیده است.

گزارش علاوه میکند عملیات تصفیوي که بتاریخ ۱٦ ثور سال جاری آغاز گردید و همچنان ادامه دارد پس از چند ساعت نیروهاي دولت اسلامی موفق شدند ملیشه ها را تار ومار نموده تعداد زیادی از آنها را کشته و زخمی و تعدادی را هم به اسارت خود در آورند.

سلسله پاکسازی شمال کشور از وجود ملیشه های بدنام که از مدتي به اینطرف آغاز گردیده با موفقیت ادامه داردو تا به حال مناطق وسیعی از سالنگ ها تا ولایت کندز و مناطق اطراف آن بطور کامل از وجود این عناصر فتنه گر پاکسازی گردیده و ان شاء الله بزودی طلسم افسانوی این جانیان با سقوط آخرین مراکز شان از هم خواهد باشید.

بار دیگر شهر کابل توسط ملیشه هاي هم آهنگ راکت باران شد

ص(۱۰)

چگونه می توان به جنگ پایان داد؟

از ابتدای جنگهای بعد از پیروزی بخصوص بعد از شکست وناکامی کودتای ننگین ۱۱ جدی تا هنوز تلاشهای فراوانی در سطح داخل و خارج کشور از سوی افراد و گروهایی جهت متوقف ساختن جنگ وجستجوی راه های تفاهم و مذاکره صورت گرفته است.

مخالفان همه این تلاشها را بشکلی رد نموده و بر ادامه جنگ تا رسیدن به قدرت تاکید کرده اند.

دولت در مقابل از همه این اقدامهای صلحجویانه حمایت کرده و از هیئت هاي آنها استقبال نموده است.

دولت با آنکه توان فیصله بسیاری از امور را از راه جنگ داشته اما همیشه راه صلح و تفاهم را با حزب ترجیح داده و تنها در برابر جنگ افروزیهای قدرت طلبان مجبور به عمل بالمثل گردیده است. ص(۱۰)

گزارشی از گوشه های برگزاری جشن دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در هرات

هرات آیینه دار شکوه انقلاب اسلامی

ص(۵)

موضوع هفته

په غزني کی د قوماندانانو شوری له جوړیدو سره:

دسولی او ثبات د ټینګښت لپاره بله هڅه

په هیواد کي د رواني جګړې د اور کراریدو اومړه کیدو لپاره له هر لوري هڅې رواني دي، پخپله د افغانانو له خوا تر اوسه پورې د پنځلس لورو لخوا سوله ییزې طرحې وړاندې شویدې.

همداراز د افغانستان د کابینې له لوري هم موظف کمسیون د جګړې له پیل نه په کار او فعالیت بوخت دی ترڅو اوسني دردونکې جګړې تغر ور ټول شی او د امن و امان څادر په هیواد وغوړیږي.

ددغو فعالیتونو تر څنګ ګاوندیو او ځینو اسلامي هیوادونو اوملګرو ملتونو هم خپلې خپلې هڅې او کوښښونه په کار اچولی دي.

پخپله د افغانانو تر منځ ددغو سوله ییزو طرحو او وړاندیزو نو ذلړیو په لړکې دروانی میاشتی (ثور) په دوهمه لسیزه کي په غزني کی د قوماندانانو او قومي مشرانو او یو زیات شمیر ولایاتو مسؤلینو په ګډون یوه ستره غونډه وشوه غونډه د هیواد جنوب غرب ولایاتو په نوښت او وړاندیز جوړه شوي وه.

د غزنی په غونډه کي د اکثره ولایاتو والیانو په ګډون سر بیره د هیواد جنوب غرب حوزي امیر محترم اسماعیل خان هم ګډون درلود.

د افغانستان اسلامی دولت چی همیش یی له هر سوله ییز هیئت اود سولی هڅو اوهاند ته چی له هر لوری ۆ ښه راغلاست ویلای او د سولی په راوستو او امن او امان په ټینګیدو او د امنیت او ثبات دټینګست او تأمین لپاره له هر نوښت او وړاندیز نه ملاتړ کړ ی ، دولت دغی غونډی کی هم د خپل هیئت د لیږلو له لاری د داکتر عبدالحی الهی تر مشري لاندي برخه واخیسته اودغندی برخوالو ته د خپلی هر راز مرستي او همکاري ژمنه وکړه.

په غونډه کي د جنوب غرب ولایاتو لخوا وړاندیز شوي د سولی په طرحی خبری اوبحث وشو.

غونډي یو کمسیون د پریکړو د تطبیق او د دغی پروسی د تداوم لپاره و ټاکه.

همدارنګه دغزنی غونډی چی دری ورځې یی دوام وموند یوه اعلامیه هم خپره کړه چی په کښي د افغانستان اسلامي دولت لخوا د فساد وحشت او جنایت د عاملو له منځه وړو او د کثیفو ملیشو پر خلاف اعلام شوی جهاد نه ملاتړ او د ملیشه وو تر کاملی نابودی او تباهی پوری دجهاد په تداوم ټینګار شویدي.

د غونډی برخوالو په ځانګړې توګه حزب اسلامی نه غوښتنه کړي چي خپلی ستونزی دتفاهم او خبرو له لیاری له دولت سره حل کړی نه د جګړې له لاری.

دغزنی د شوری په اړه هم لکه د سولی د نورو طرحو او هڅو په شان بیلا بیل نظریات را برسیره شول ځینو د ګان لپاره د دغی غونډی تدویر خطرناك ګواښ وباله او ویی غوښتل تر څو غونډه په بیلا بیلو نومونو تر سوال لاندی راولی پداسی حال کی چی په غونډه کی برخوالو قوماندانانو دغوندی د تدویر او جوړیدو هدف یواحی او یواحی د سولی له پروسی سره مرسته وبلله نه کمهر...ښی عمل او لوبه ...

سطحی نگری و اظهارات غیر مسؤلانه

اینك دوسال و چند روز از سقوط رژیم نجیب و حاکمیت مجاهدین که پیروزمندانه وارد کابل شدند و به سلط غاصبانه چهارده ساله کمونیزم در افغانستان پایان دادند میگذرد.

توقوع میرفت با سقوط رژیم های فاسد و ضد مردمي و جمع شدن بساط کمونیزم از افغانستان صلح و آرامش به وطن باز گردد و فضاي اخوت و برادری ایجاد شود، این آرزوئی بود که فرد فرد ملت چشم براه و در انتظار آن لحظ شماري مي نمودند بالاخره آنروز فرارسید و مجاهدین عملاً زمام امور را بدست گرفتند ولی بدامنی و سلسله کشتارها که میراث شوم رژیم هاي قبلی بود و سالها مردم از آن ناحیه رنج و عذاب کشیده بودند پایان نیافت.

درمورد علل و اسباب این درگیریها و کشمکش ها دلائل زیادي ارائه شده و هر کس بر حسب توان و استعداد خود در این مورد ابراز نظر نموده است، گذشته از آنهایکه وابستگي شان به بیگانگان مبرهن است و بادید جهل و جعل موضوع را ارزیابی میکنند. سایر تحلیل ها و برداشتها از اوضاع کنوني و عوامل و دلایلی که باعث بروز این حالت گردیده قابل بحث و تأمل میباشد.

درست بخاطر داریم نجیب در اواخر دوران حکومتش به کرات و بارها جهت ایجاد شك و تردید برای ملت در رابط با مجاهدین استدلال میکرد که اگر از قدرت کنار برود، کنار رفتن وی باعث بروز جنگ ها و کشمکش های داخلي خواهد گردید و علاوه بر آن نمیداند قدرت را به کدام یك از تنظیم ها و یا احزاب جهادی بسپارد. به یقیین میتوان گفت که نجیب در گفتن این سخنان راستگو نبوده هیچ ابتکار و استعداد شخصی و فردي نداشت بلکه مشکلات و موانعی که دشمنان اسلام برای جلوگیری از پیروزی یك حکومت اسلامی باثبات طي سالهاي جنگ در افغانستان ایجاد نمودند احتمال این واقعیت را که مجاهدین بتوانند در نخستین روزهاي پس از پیروزي بر مشکلات مزمن باقي مانده از رژیم هاي کمونیستي فایق آیند ضعیف ساخته بود و بروز درگیریها و کشمکش ها محتمل به نظر میرسید.

هر چند مجاهدین توانستند کابل را بدون آنکه کمونست ها توان جنگ و مقاومت داشته باشند آزاد نمایند ولي بیگانگان و خارجی ها که براي بی ثباتي افغانستان پس از نجیب سرمایه گزاري زیادی نموده بودند به گونه های مختلف دست بکار شدند، جنگهاي داخلی دامن زده شد و تنش میان مجاهدین که براي آرمان واحد مبارزه نموده بودند بالا گرفت.

در رأس این جنگها قدرت طلباني قرار داشتند که بعدها این سلسله با تشکیل ائتلافها و اتحاد با نیروهای اسلامی و غیر اسلامی (ملیشه ها و کمونیست ها) ابعاد تازه یافت و تا امروز به شدت و بی رحمی تمام ادامه دارد.

آنچه در این میان مایه تأسف وتأثر است نقش آنعده از رهبران و شضصیت هاي میباشد که از امتیازات دولت بر خوردار هستند و حتي مناسب عالي دولتی را در اختیار دارند ولي به هیچ صورت از خود لیاقت و شایستگی که متناسب با مقام و چوکي آنهاست نشان نداده اند و بدتر از آن اینکه نه تنها در وظایف محوله شان کوتا آمدند بلکه در این دوران دو سال پس از پیروزي مجاهدان پیوسته محافظ کاري را مشعل راه شان قرار داده از هیچگونه ثبات و استقامت و موضعگیری ثابت بر خوردار نبوده اند.

این موقف گیریها و بی ثباتي آنها قبل از آنکه به دولت اسلامی صدمه رسانده باشد شخصیت ذاتی و منزلت سیاسی خود آنها را زیر سوال برده و به آن سخت اسیب رسانیده است.

آیا آنها لحظ اي با خود اندیشیده اند علاوه بر اینکه نزد دولت اسلامی مسؤل اند نزد خداوند مسؤل و جواب ده بوده و در برابر چشمان تیز بین ملتی قرار دارند که هر گز آنها را نخواهند بخشید؟

اگر حکمتیار کابل را به راکت می بندد بدون شك سیاست هاي دوگانه آقایانیکه پست های بسیار حساس کشور را پر کرده اند و مترصد اوضاع هستند تا ببینند پله بکدام طرف وزین مي شود اگر بیشتر از راکت اندازی براي کشور مضر نباشند کمتر از آن نخواهد بود و بدون تردید این موضعیگری ها حکمتیار را در ادامه جنگ بیشتر از پیش امیدوار می سازد. آنها با وجود آنکه عاملین جنگ هاي جاری را بارها محکوم کرده اند و از جهاد اعلام شده توسط رئیس جمهور دولت اسلامي افغانستان حمایت مینمایند و در واقع تا امروز به عنوان ماموز دولت اسلامی از معاش و سایر امتیازات برخوردار هستند با عاقبت نباندیشی، اظهارات و سخنانی از آنها صادر مي شود که روح پریشان و افسرده، در کمین نشسته گان را لحظاتی چند تسکین مي بخشد. و بیچاره گان درمانده را که مانند غریقی به هر خس و خاشاك دست می اندازند فرصت میدهد تا نفس تازه نموده و به جنگ ادامه بدهند.

اظهارات غیر مسئولانه و سطحي نگری علاوه بر آنکه از نظر قوانین کشور داری حرکتیست مذموم و قبیح از لحاظ شرعی نیز عدم اطاعت از رئیس جمهور دولت اسلامی که از سنگر جهاد به اداره کشور اسلامی رسیده و به او بیعت شده است امریست حرام و توجهه نا پذیر هر چند آزادي نظر و بیان در شریعت ممکن و مباح دانسته شده ولی اظهارات و بیاناتي که باعث بروز فتنه وجنگ و جدل در جامعه اسلام گردد مردود بوده جواز ندارد.

آنچه در این میان مایه تأسف وتأثر است نقش آنعده از رهبران و شضصیت هاي میباشد که از امتیازات دولت بر خوردار هستند و حتي مناسب عالي دولتی را در اختیار دارند ولي به هیچ صورت از خود لیاقت و شایستگی که متناسب با مقام و چوکي آنهاست نشان نداده اند و بدتر از آن اینکه نه تنها در وظایف محوله شان کوتا آمدند بلکه در این دوران دو سال پس از پیروزي مجاهدان پیوسته محافظ کاري را مشعل راه شان قرار داده از هیچگونه ثبات و استقامت و موضعگیری ثابت بر خوردار نبوده اند.

شورای همآهنگی

تلفیقی از اندیشه هاي رسوا

شورای هم آهنگی، آنطوریکه از نامش پیداست بمعنی کار وعمل هم آهنگ گروه ها وافکار مختلفیست که در یك شوری گرد آمده و از این طریق در جهت تحقق اهداف وبرنامه های خود هم آهنگ عمل نمایند. معنی کلمه شوری مشخص وواضح است و در اینکه شورا یك اصل اسلامی درحل مشکل مسلمانان وجامعه اسلامی است تردیدی وجود ندارد. اما آنچه که بعد از کلمهء شوری بنام همآهنگی آمده واتحاد ملیشه های دوستم حکمتیار وببرك به آن شهرت یافته قابل تأمل و بررسی میباشد. آیا نمی شد که ملیشه های باغی اتحاد خود را بنام شورای اسلامی، شورای انقلاب اسلامی بدون ذکر کلمهء هم آهنگی نام بگذارند وبرای بکار بردن کلمهء هم آهنگ بعد از کلمهء شوری چه ضرورتی نهفته بود؟ پاسخ این سوال در ماهیت افراد وگروهائی است که ترکیب این ائتلاف واتحاد را ساخته اند زیرا با ماهیت رسوا وفضیحت باری که مؤتلفین این شوری داشته اند نام هم آهنگ را به خود گذاشته اند و در واقع ویژه گی های مؤتلفین شورای هم آهنگی که از ماهیت اصلی و درونی آنها سرچشمه می گیرد می تواند به ساده گی و سهولت هم آهنگی داشته باشند وهم آهنگ عمل نمایند:

کبوتر با کبوتر باز با باز
کند هم جنس باهم جنس پرواز

بدون تدقیق وتحقیق زیاد درك وفهم این موضوع بسیار ساده است که نفاق، فساد والحاد باهم بردار وهم آهنگ هستند وچنین هم آهنگی درطول تاریخ اسلام میان آنها وجود داشته است. اگر الحاد رو در رو و بالمقابل به سینه اسلام ومسلمانها خنجر زده امانفاق ازعقب این خنجر را به قلب مسلمانان فرو برده است وفساد هم که چون موریانه پیکر جامعه اسلامی و نظام اسلامی را خورده است. اتفاقاً این جریان در افغانستان نیز بوقوع پیوست ویکبار دیگر خنجر الحاد، فساد ونفاق از جهات مختلف اما هم آهنگ بر قلب انقلاب اسلامی و مردم مظلوم وزجر کشیده، مان فرود آمده و با چنین ویژه گی وخصوصیت گرد آمد گان شورای هم آهنگی است که آنها آگاهانه وبه جا برخود نام شورای هم آهنگی را گذاشته اند. هرچند جنرال فوزی یکی از ملحدین ضلع الحاد این مثلث هم آهنگ در مصاحبه با بی بی سی به شورای هم آهنگی، کلمهء انقلاب اسلامی را نیز علاوه کرد وسایر گردانندگان اضلاع الحاد وفساد در این مثلث بیشتر به شورای هم آهنگی انقلاب اسلامی را نیزمی افزایند اما ضلع نفاق مثلث هم آهنگی در نشرات وتبلیغات خود به ذکر شورای هم آهنگی اکتفا میکنند و از پیوند انقلاب اسلامی به آن خودداری مینمایند. شاید این امر بیشتر از آنجا ناشی شود که آنها عذاب وجدان دارند و بنا بر این نمی توانند چنین چیزی را بگویند. چون حد اقل روزگاری نام مجاهد بر سرشان بود واکنون چگونه برشورای هم آهنگی که از ملیشه های مفسد دوستم، ملحدین پرچمی وقدرت طلبان همیشه ناکام ترکیب شده کلمهء انقلاب اسلامی را علاوه بدارند و بگویند: «شورای هم آهنگی انقلاب اسلامی».

همان ترتیبی که نام شورای هم آهنگی رسوا است و مؤتلفین آن رسوا تر از آن، تبلیغات، موضع گیری واستدلال تمام جناح ها واضلاع این هم آهنگی نیز سخت سست، بی بنیاد، مضحك ومسخره است، مثلاً اگر ما نشریهء شهادت ارگان نشراتی یکی ازجناحهای ملیشه های هم آهنگی را مورد مطالعه قرار بدهیم. به وضاحت و بسیار سادگی میابیم که بیچاره ملیشه ها در استدلال خود غرض توجیه اعمال مثلث شوم هم آهنگی چقدر ذبون می شوند، احساس ضعف می کنند، دروغ می گویند و به تناقص گوئی می پردازند اما باز هم رسوا می شوند وخود را بیشتر از بیش مسخره مینمایند.

نشریهء شهادت درشماره های ۷۸۲ و ۷۸۳ خود تحت عنوان «ادارهء ائتلافی، ترکیب نا متجانسی از تلفیق اندیشه ها» مقاله ای را به نشر سپرده که مطالعهء آن برای هر خواننده رسوائی ملیشه های هم آهنگ و سردستگان آنها را مشخص تر وبیشتر میکند.

هنوز نویسنده گان کم سواد شهادت، دولت اسلامی را ادارهء ائتلافی می گویند. آنها قبل از آنکه آقای حکمتیار به ملیشه های دوستم بپیوندد وشورای هم آهنگی بسازد، دولت اسلامی را بخاطر موجودیت ملیشه های دوستم درقطعات نظامی این ادارهء ائتلافی میگفتند ولی اکنون که خود با ملیشه های دوستم وکمونستان ائتلاف کرده اند باز هم دولت اسلامی را ادارهء ائتلافی می گویند. مضحکتر این است که حکمتیار صدراعظم این دولت را، صدراعظم دولت اسلامی یا صدراعظم کشورمی گویند درحالیکه صدراعظم کشور! در چهارآسیاب تشریف داشته ویا ملیشه های دوستم وملحدین پرچمی شورای هم آهنگی ساخته کابل را به راکت می بندد و ساکنینش را درهم آهنگی با ملیشه های دوستم به قتل می رساند.

دربخشی از مقالهء شهادت بعد از آنکه نویسنده احمد شاه مسعود را مورد لعن وطعن قرار میدهد برمحبوبیت امیر حزب اسلامی جناب حکمتیار تأکید نموده میگوید: «... این گونه ترفند ها نمی توانند مانع محبوبیت رهبری حزب درقلوب مردم شود. تا جائیکه همه میدانند وجریان حوادث دوران جهاد ثابت ساخته است، حکمتیار هیچگاه به خاطررسیدن به کرسی اقتدار کوشا نبوده وکسب قدرت به مثابه رسیدن به مدارج عالی انسانی نزدش مطرح نمیباشد. اگر چنین نمی بود زمینهء تشکیل حکومت مشترك بابقایای وژیم بیشتر ازدیگران، برای حزب اسلامی مساعد بود ولی رهبری حزب نخواست بخاطر رسیدن به جاه وجلال و شهرت ونام، آرمان یك ملت قهرمان و آزاده را لگد مال نماید»

شاید نویسندهء مقالهء حرد به تنهائی درجریان نباشد که حکمتیار همیشه به خاطر رسیدن به قدرت تلاش داشته اما تمام مردم شاهد هستند که حکمتیار در طول زندگی سیاسی اش کاری جزء تلاش در رسیدن به قدرت از راه سازش ومعامله نداشته است. کودتای مشترك با شهنواز تنی چه بود؟ ائتلاف با حفیظ الله امین، کودتای مشترك با وطنجار، رفیع ویکتین و اکنون شورای هم آهنگی با دوستم و ببرك که همه از چانس بد حکمتیار ناکام شد.

نویسنده برای توجیه ائتلاف حکمتیار وحزبش با دوستم وپرچمی های کارمل در قسمتی از مقاله می نویسد: «دوستم همانسانیکه خودش اظهار میدارد از مبانی کمونیزم و اساسات آن کوچکترین آگاهی ومعلومات نداشته و به این تصور هم نیست که در راه باز گشت حاکمیت کمونیست ها مجدداً واردعمل شود وبرخلاف جهاد سمپاشی نماید. جنرال دوستم اگر به ماهیت ومبانی اعتقادی کمونیزم باور میداشت نباید حاضر میشد که برخلاف نجیب قد علم نموده وسیلهء سقوط تدریجی حکومت کمونیست ها در افغانستان می گردید»

خوانندگان خود قضاوت کنند اگر این نویسنده بی اطلاع فعلاً راست میگوید در سال ۱۳۷۱ چرا چنین نمی گفت وچرا رهبرش کابل را بنام موجودیت ملیشه های دوستم ویران کرد وهزاران انسان مظلوم را به شهادت رسانید؟

ازاین نویسنده دعوت می کنیم که یك بار شماره های جریده شهادت سنه ۱۳۷۱ را مرور کند آیا خجالت نخواهد کشید؟

دوستم د استعمار گوډاگی

په افغانستان کی دروسانو تر نظامی ماتی او په نړی کی دروسی امپراطوری تر ختمیدو وروسته امریکایان او روسان دواړه یوی ویری په مخه کړل هغه دا چی په افغانستان کی چی کوم خوځښت دبریالیتوب خواته پر مخ روان دی که دهغه پل او غږ منځنی آسیاته ورسیږی بنایی چی روسان به دنړی له نقشی ورك کړی او امریکایانو ته به هم جدی خطر رامخی ته کړی ځکه وو چه دواړو په ګډه داسی هڅی پیل کړی چی اول خو د مجاهدینو د بریالیتوب مخه ونیسی او که بیا دا کار ناشونی و هغوی ته په داخل کی داسی مشکلات لانجی پیدا کړی چی په خپلو پښوونه دریږی او هر څه یی په خپلو پولو کی محدود پاتی شی، دوی داهڅی د روسانو د وتلو سره جوخت د عمل ډګر ته را وباسی او ورو، ورو یی په شمالی ولایاتو کی چی د مینځنی آسیا له هیوادونو سره په یوه پوله پراته وی د یوی داسی ډلی تقویه کولو او په خپلو پښو درولو ته ملتی راونغاړلی چی د پولی هغه خوا ایالتونو سره ژېنی اړیکی او ورته والی هم ولری او په شمالی ولایاتو کی هم له یوه قوت څخه برخمن وی او په دی توګه وکولای شی مجاهدینوته مشکلات پیدا کړی دا چی روسانو او دهغوی استعماری ملګرو ولی دی کارته په شمالی ولایاتو کی سرمایه ګذاری پیل کړه؟!

او هغوی په دی یوه غښی سره څو نښنی ویشتی؟ هغه پوښتنی دی چی لږ تأمل غواړی.

دشمالی ولایاتو دیوی کمونستی ډلی تقویه کولو او راتلونکی کی دهغوی څخه د خپلو اهدافو د استفادی په خاطر آسانتیا وی روسانوپه لاس کی درلودی یو شمالی ولایات اوله دی ځای څخه راپورته شو اجیرو کمونیستو قوتونو د منځنی آسیا له هیوادونو سره ژېنی اړیکی درلودی دوهم دوی دهمدی ګاوندیو ایالتو نو له لاری په آسانی مرستی ورسره کولی شوی دریم دهغه سیمو له شخصی او ذات البینی - اختلافونو څخه دوی ښه استفاده کولی شوه ځکه هلته بیلابیل قومونه پراته ژ، څلورم : دروس هدف داږ چی د روسیی تر تسلط لاند ی ایالاتونو کښی د اسلامی روحیی راپورته شوی موج د نشنلستی روحیی په رامنځی ته کولو سره سوړ کړی او کینوی ددی کمونیستی قوتونوپه تناسب چه دوستم شی د افغانستان دنورو برخو کمونیستان تند، تیز او ښه فکری کمونیستان وُ خو ضرورت دبرخی او سیمی کی وُ ځکه یې «دوستم» د یوه سمبولیك قاید په حیث د شمال د جنبش په نامه رامخی ته کړ او دا نورو کمونستانو دهغه تر سیوری لاندی هڅی پیل کړی.

د روسانو دی برنامی ته دمجاهدینو خپل منځی اختلافاتو لاښه زمینه مساعده کړه د یوی خوا دوستم د یوه قوت په توګه ځان وشوه ساتلی د بلی خوایي د مجاهدینو قوی ډلی کمزوری او دهغوی تر منځ سطحی اختلاف نه پخلا ښی حد ته ورساول او دبلی خوابی همدی حالاتو ځېنی ضعیف الایمانه خلك د استعمار دنشنلستی روحیي او ددوستم دتش په نامه جنبش ښکار شول.

روسان د نړیوال استعمار په ملګرتیا یوه حده په دی بریالی شول چی د مجاهدینو دخپل منځی اختلافاتو نه په استفادی سره کمونستان ددوستم په مشری ولوکه دیوه متنازعه فیه شخصی په توګه وی د سیاست په ډګرکی ژوندی وساتی او ورو، ورو دهغه په موجودیت او تقویه کولو سره د یوی خوا منځنۍ آسیا کی د اسلام خو ځښت د سر راپورته کولو مخه نیسی دمجاهدینو اختلاف لاژ بغړانده کړی او دبلی خوا نشنلستی روحیی را پارولو ته داسی لمن ووهی چی د اسلام په نوم راپورته شوی ملت مخ د اسلامی انقلاب څخه بلی خواته واړوی.

دروسانو اواستعمار دا برنامه او توطیه د جدی د (۱۱) نیتی په ناکامی کودتا سره لا رسوا شوه، کودتا په دوهم ورځ کله چی کابل جګړی لاخونړی ښه ونیوله نو یوه ورور د کابل د جګړی پر موضوع د خبرو په دوران کی راته وویل، دوستم او په اصطلاح د شمال جنبش غواړی د کابل جګړی نه په استفاده سره شمال کی پښی ټینګی کړی، دولت او دمجاهدینو قوتونه دلته مصروف وساتی او دی هلته تصفیوی عملیات پیل کړی، خو خو روځې وروسته همداسی هم شول خو هلته چې دمجاهدینو له کوم مقاومت سره مخ شول او کومی ماتی خوړلی هغو اوس بیخی بی خواه کړی اوس ورو، ورو معلومیږی چی په دی ائتلاف کی فیصله هم داسی وچی دشمالی ولایاتو کی به دوستم حاکم وی هلته به ددوستم حکومت و روسانو د منځنی آسیا سکیلوریا ستونه، او امریکایان هم پردی راضی و ځکه په دی کار به توانیدلی وی منځنی آسیا ته د مجاهدینو د رسیدو مخه ونیسی او دهغو سیمو ایالتونو او حکومتونو جوړیږی خو لله الحمد چی ددی توطیی مقابل کی مجاهدین په میړانه ودریدل نه په شمال کی دوستم په دی وتوانید چی پښی ټینګی کړی او څه فتوحات وکړی بلکی خپلی پخوانی سیمی یی هم له لاس ورکړی اونه په کابل کی دوی څه پر مختلك وکړای شو.

په هرصورت د دوستم او دشمال په اصطلاح جنبش په افغانستان کی هغه د ناسور تپ دی چی تل به دا ملت کړوی ځکه هغه د همدی لپاره صحنی ته رامخی ته کړای شوی چی مجاهدینو ته خنډونه واچوی د اسلامی حکومت د جوړیدو او منځنی آسیا ته د مجاهدینو د رسیدلو مخه ونیسی خوا انشاء الله ډیر ژر به دا توطه د ... رسوا او ماته وخوری او مجاهدین به سوبمن وی.

د فتح لسیزه



په هرات کی دګوهر شاد بیګم مقبره چی دوخت دنمرود دغشونښې لری

په لرغونی هرات کښې د حمل له (۲۹)می څخه د ثوراتمی پورې د اسلامی انقلاب د«فتح لسیزی» تر نامه لاندی جشن جوړ شوی و. په دغو مراسمو کښې د هیواد له دننه او بهر څخه څلورو زره میلمنو ګډون کړی و. داد زما دسترګو لیدلی حال د قلم په ژبه وطنوالو ته وړاندی کوم.

د حمل په ۲۹ مه «رسم و ګذشت» وشو، چی د ۱۳۵۷ کال راسی د اسلامی انقلاب د پیلامی مهاجرت جهاد او سر ښندنو انځورو، په تیره بیا د شهیدانو د یتیمانو او دانقلاب د معلولینو د ټولیوپه کتو سره زړونه دردیدل او سترګو ژړل همغه ژړا کی یو زښتونی انسانی پیغام پروت دی.

«رسم ګذشت » مونږ له تیر تاریخ سره ونښلولو چی اوس څه باید وکړو ترڅو ښه راتلونکی جوړه کړو انسان هیرناکه دی اوددغی صحنو په کتوسره یی خپلو اهدافو ته پام اوړیدای شی چې په اولنی وخت کښی څه باید وکړي، انقلاب له کومو د ننینو او بهرنیو ستونزو سره مخامخ دی؟ د خپلو ځواکونو «د سمي ارزیابی لاره او د ستونزود اوارولو لاره ور په ګوتو کړی

د مراسمو د ننداری له پاره د پنځو کیلومترو چه اوږد سرك یوي لاري ته نارینه او ښلی خواته ښځینی ناستي وي او دا رابنی چي د اسلامی انقلاب د اهدافو د پلی کولو له پاره د ستر میړنی ملت هوډ لا هماغسی پر ځای ټینګ پاتی په مراسمو کښی له محترم مولوی خالص او محترم حاجی دین محمدسر بیره د ننګرهار د ولایتی شوری ځینو غړو د وردګو، لوګر، پکتیا، پکتیکا، خوست، غزني، زابل، روزګان، قندهار، بادغیس، هلمند، فراه او نیمروز ولایتونو والیانو، قومندانانو اونمایندګانو برخه اخیستی وه اوپدی ترڅ کښی د حمل په ۳۱ مه د څوارلسو ولایتونو والیانو او نمایندګانود بهرنیو چارو وزارت د نمایندګی په دفتر کښې په یوی غونډی کښي د استاد ربانی تر مشر تابه لاندی د اسلامی دولت تینګښت خپل ملاتړ اعلان کړ او دا دریځ رابنی چی د استاد ربانی تر آګاهانه قیادت

لاندی هیواد د جنوب لویدیځ حوزي امارت د څوارلسو ولایاتو د سیاسی تولیدله پاره اغیزمن ګامونه پورته کړی دی

«فتح لسیزی» په شانداره رسم و ګذشت کښي د ملګرو ملتونو استازی محمود مستیری هم ګډون درلود او نوموړی د و ګړو له پراخ ګډون، پوځي ځواکمنی اود څوارلسو ولایاتو له سیاسی واحد دریځ نه وپوهیده چي مجاهدین له بهرنیو یرغلګرانو سره له مبارزاتی استعداد سره بیره د ځان جوړوني او روري نظام جوړیدو وس هم لری او مستیری دا مسئله د جنوب غرب حوزی له محبوب امیر محترم اسمعیل خان سره د کتني په وقت کښي په ډاګه کړه اوددغی سیاسی، نظامي او و ګړني مانور ترسره کول چی د نړیوالو ذهنیت د مجاهدینو د اسلامی اوملی حاکمیت د اثبات له پاره تر سره کیږي په حقیقت کي د اسلامی

دولت بریالی هڅی رابنی.

د فتح لسیزی په مراسمو کښی سو چه اسلامی شعارونه تر سترګو کیدل چی په خورا ښکلی ډول کښلی او جوړ شوی وو او له دی ځایه معلو میده چي د جنوب لویدیځی حوزی امارت به له

سیاسی قدرته د یوي وسیلی په توګه د اسلامی مفکوري تګی تکی تطبیق له پاره کار واخلی نه داچی قدرت کښي ویلی او وسیله ورته هدف شی چی د هغه ځای د مسولینو عملی ژوند د همدغسی حقیقت انځور و.

د جشن په مراسموکسي دجنوب لویدیزی حوزي مختلفو ادارو کمپونه جوړ کړی ؤ، چي د هغه ځای د مسئولینو دوینا له مخی هرات تاجرانود هغوي لګښت ورکړی وو. کمپونه په ښکلي طریقه جوړ شوي وو اوهر یو کمپ و خپلی مربوطی اداري د ډول سره په اړه د اسلامی انقلاب د فرهنګ و آدابو او اخلاقو محتوی لرله هر یو کمپ په داسي ډول جوړ شوی وو چي د ښځو اونارینه وو له پاره بیل بیل د ناستي ځایونه په نښه شوی وو.

څو شپی پرله پسی له نورو وروڼو سره یو ځاي و کمپونو ننداري ته تلو او په دي ترڅ کښي د پاملرنی وړ خو لا داده چی د پولیسو او ژاندارم په کمپ کښي د قرآن د قرائت، حفظ او نعت خواني مسابقی روانی وی چي د کمپ له ظرفیت اخوا نارینه او ښځی د هغه د ننداری له پاره ناستی وي او دا مسئله را ښی چي

د امام فخر رازی، خواجه عبدالله انصاری د تاریخي اوسیدونکی څومره له قرآنی فرهنګ سره مینوال دی.

دغسی د ماینونو دپاکوالي مؤسسی، آلمان - افغانستان له خوا هم کمپونه جوړ شوی وو.

د فتح لسیزی ته را بلل شوي میلمانه د هرات د شتمنو له خوا پالل کیدل، خپل کورونه زامن او و سپرلی وسیلی یی ورته په اختیار کښی وي او له دي ځایه جوتیږی چی د هرات ولس څومره د اسلامی انقلاب له ارزښتونو سره بی کچه مینه لری اودا هم باید ووایو چي یو شمیر میلمانه د هرات په هوتل کي اوسیدل او داهتل د آلمان - افغانستان سره د خیر یه مؤسسی په مرسته د څه د پاسه سرمایه ۱۱۵ ملیونو افغانیو په لګښت مرمت شوي دی.

هرات له ترکستان او ایران سره ګډې پولی لری چی د دي هیوادو له قونسلګریو سر بیره په دي وروستیو وختونو کی د سعودی عربستان قونسلګری هم پرانستل شوی چی د ا یران له قونسلګري سره خوا په خوا او د ترکمستان ورته مخامخ پرته ده تاجر له دواړوهمسایه هیوادونو څخه مالونه

واردوی او په خورا مناسبه بیه یی پلوری او د یو تجار ووینا له مخی مونږد ایران بندر عباس له لاري له دوبي څخه اموال و ترانزیت په ډول واردو چي په اونی که هرات ته رارسیږی په بازارونو کي له ګرځیدو راګرځیدو او د خوراکي او نورو اړتیا وړ موادوله نرخ پوهیدو نه وروسته را ته دا معلومه شوه چي که په پیښور کی یو کور په زرو کلدارو بسیاکیږی نو هلته په ۲۵۰۰۰ کیږی.

په هرات کی دجنوب غرب حوزی آمیر محترم اسمعیل خان د ټولو اسلامی ګوندونو د موافقی له مخي د اسلامی ملی اردو په بیا رغاونه کښي بریالی شوي دي ټولي درنی او سپکی وسلی اردو ته سپارل شوي او مجاهدینو ته له جګړنی لوړه ترفیع نه ده ورکړه شوه. امنیت تر دي حده دي چی پولیس سره لخته وی نه وسله، و شپې بنډیز نه شته او خپله امیراسمعیل خان بی له پاسواله هر چیري ځی راځی.

د هرات په اداری نظام کي د هر اسلامی تنظیم غړی شامل دي او د دندو په ویش کي تخصص او مقصد داوړه په پام کي نیول شوي دی او په کومه اداره کي چی د مجاهدینو له خوا متخصص نه وو نود پخوانی کارمند د کار له تداوم سره یی موافقه کړی ده.

په هرات کی د اسلام قلعه او تورغندی بندرونو څخه لاس ته راغلی عایدات د هرات په ملکي اونظامي ادارو کي لګیږي او د هغه ځای و مسئولینو د وینا له مخي په اوسنیو شرایطو کښی دغه عایدات د هرات له پاره بسیا کوی.

هرات کښی مختلف ملیتونه اوسیږی دا ټول د امیر اسمعیل خان تر شاوخوا را ټول دي او د ژبی ، قوم اونژاد دویش ذهنیت په کي هډو ځاي نه لري ټولو یوه فکري کورني جوړه کړی چه د یو امیر پسي دیو هدف د تحقق له پاره پر مخ روان دی

نو په رښتیا چي د استاد رباني قیادت د اسلام ارزښتونو د احیا له پاره څومره مناسب او وړ قیادت دی چی د جنوب غرب حوزي امارت یوه بیلګه دی.

هرات آیینه دارشکوه انقلاب اسلامی

نوشته :صادق راستگو

هرچند امسال نیز همچون سال پار قلب مجروح کشور عزیز مان کابل از شکوه و سرور برگزاري جشن پیروزی فرزندان مجاهدش و جشن استرداد استقلال و آزادی ازچنگ خونین اشغالگران روسی محروم بود ساکنان ستمدیده اش این ایام با افتخار را همچون سایر روزهای سال در زیر بم و راکت مرگبار جفاکاران ستمگر با اشك وخون وماتم و عزای فرزندان و بستگان خود برگزار نمودند ولی این روز خجسته در سایر ولایات کشور با شور و هیجان مردم مسلمان ومجاهد پرور برگزار گردید که برگزاري این جشن عظیم در هرات شهر اولیای خدا و بزرگان جلال و عظمت تاریخ وشهیدان ومجاهدان انقلاب شکوه ونمودي با عظمت وویژه، داشت.

روزها قبل از فرارسیدن ایام خجسته جشن پیروزی انقلاب اسلامی در کشور مسؤلان حوزه جنوبغرب برای برگزاری میمون آن آمادگی می گرفتند، نمایندگی حوزه در پشاور شماری از شخصیت های افغانی و غیر افغانی علاقمند به جهاد و انقلاب اسلامی افغانستان را جهت اشتراك در این جشن به هرات دعوت نموده بود.

ما ضمن یکی از پروازها بروز یکشنبه ۲۸ حمل با جمعی از مهمانان داخلی و خارجی به ساعت چهار و پانزده دقیقه بعد از ظهر توسط طیاره نظامی ای به صوب هرات حرکت کردیم.

عبور از بالای کوههای سر به فلك کشیده وقله های آسمان بوس پوشیده از برف مناطق مرکزی و تپه های سرسبز و دره های پر آب و دشتهای هموار و جلگه های پهن کشور از مرزهای ولایت ننگرهار تا شهرهرات مناظر دل انگیز و هیجان آوری برای رکاب خلق نموده بود و تکانهای مدهش و پائین و بالا شدنهای رعب آور طیاره هرگز از نفوذ ولذت این زیبائیها در جان و دل مسافران نمی کاست.

بعد از دو ساعت وچند دقیقه طیاره حامل ما در میدان هوائی هرات به زمین نشست.

استقبال از مهمانان در میدان هوئی:

عده از مسؤلان دولتی در ولایت هرات بشمول معاون ولایت محترم حاجی میر بخاطر استقبال و پذیرائی از مهمانان به میدان هوائی آمده بودند.

قطعه تشریفات و دسته موزیك نظامی با نواختن سرود میهنی و نوجوانان مجاهد با اجرای یك سرود دل انگیز اسلامی مقدم مهمانان را گرامی داشتند.

جوش و خروش آمیخته با نظم و ترتیب میدان هوائی حکایت از یك اداره منظم وتشکیلات قوی داشت.

بعد از مکث کوتاهی توسط وسایل نقلیه ای که از قبل جهت انتقال مهمانان آماده شده بود مهمانان به جاهای مشخصی برده شدند.

ما باجمعی از مهمانان به ریاست ارشاد اسلامی انتقال داده شدیم و شب را آنجا سپری کردیم فردای آن یکشنبه ۲۹ حمل روز فتح کامل شهر و ولایت هرات قرار بود مراسم جشن پیروزی انقلاب اسلامی کشور درهرات آغاز یابد و تا هشت ثور روز سقوط نظام کمونیستي و استقرار نظام اسلامی در افغانستان به نام «دهه فتح» ادامه پیدا کند.

شور و هیجان مردم:

ساعت هشت صبح درجمع مهمانان بسوی جایگاه جشن به حرکت افتادیم. وقتی وارد خیابان شدیم شهر باجاده هایش از کثرت و ازدحام مردم موج می زد و زن و مرد و طفل وجوان ساعتها قبل جهت اخذ جای به صحنه برگزاری رسم گزشت آمده بودند و صدها هزار نفر به اطراف جاده، بر بامهای خانه ها و بر سر درختان به فاصله چندین کیلومتر در انتظار رژه نظامي دقیقه شماري مینمودند. سیلی از مردم از خیابانها واطراف شهر به سوی خیابان بر گزاری رژه نظامی با شورو حرارت و هیجان سرازیر می گردید، دیدن چنین حالاتی درجان آنانکه با تقدیم قربانیهای بیدریغ و زحمات توانفرسایی آرزوی یك چنین روزی را سالیان درازی در دل می پروانیدند وبعد از به خاك و خون کشیدن کابل با جنگهای قدرت طلبی افسرده شده بودند، وجد وهلهله، خاصي می آفرید.



آغاز رژه نظامي:

اندکی بعد از آنکه برادر اسماعیل خان امیر حوزه جنوبغرب همراه با محترم مولوی خالص و ستوریس موسوریس معاون مستیری سوار بر جیپی برسم تقدیر و سپاسگزاری از برابر جمعیت انبوه مردم گذشته وارد لوژ گردید و مراسم با تلاوت آیاتی از قرآن مجید آغاز یافت، پیام محترم استاد ربانی رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان بمناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی وفتح ولایت باستاني هرات توسط برادر سید اسحاق دلجو حسینی سر

آغاز رژه نظامی دومین سالگرد انقلاب اسلامی را به مقام محترم ریاست جمهوري دولت اسلامی و کافه ملت مسلمان و مجاهد افغانستان تبریك گفته ضمن سخنانش گفت:

«آنانیکه میخواهند از طریق زور بر ملت ما خود را تحمیل نمایند باید بدانند که روسها با آنهمه زور و قدرت و اسلحه خود نتوانستند خود را بر اراده ملت ما تحمیل کنند.

اسلحه بخاطر جهاد و دفاع از کشور بوده و نباید درجهت تهدید مردم وکشور مان از آن استفاده صورت گیرد، باید اسلحه از دست همه، مردم گرفته شود وتحویل اردو گردد.

«ما جنگهای کابل را که توسط عناصر شریر و فتنه گر به راه انداخته شده است محکوم نموده و خواهان سرکوب آنها هستیم.»

برادر اسماعیل خان در اشاره به دستهای مداخله گر خارجی درامور کشور مان گفتند:

«آنهاییکه میخواهند در امور کشورما مداخله کنند باید از روسها درس بگیرند».

محترم اسماعیل خان در هر مقطعی از سخنانش از سوی انبوهی از مردم با

محترم اسماعیل خان در هر مقطعی از سخنانش از سوی انبوهی از مردم با
نعره های تکبیر و شعار هاي انقلابی استقبال می گردید.

متعاقباً برادر دگرجنرال علاؤالدین خان قوماندان فرقه،(۱۷) حضرت خمزه در پیشاپیش رژه سوار بر موتر جیپ از برابر جایگاه عبور کرد و درپی آن بعد از عبورموترهای حامل عالمان مجاهد و برادر دگر جنرال عزیزالله افضلی قوماندان ژاندارم و پولیس ولایت هرات عبور دسته هاي منظم سربازان مجاهد قول اردوی نمبر(٤) و فرقه، (۱۷) حضرت حمزه

جوانان و یتیمان شهدای انقلاب و معلولان، شهیدان زنده، انقلاب با حمل فوتو هایی از رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان و برادر اسماعیل خان امیر حوزه، جنوب غرب کشور و والي هرات صورت پذیرفت.

سربازان مجاهد اردوی اسلامی در دسته هاي مختلف انواع مختلف اسلحه و وسایل نظامي را از ابتدائی ترین ابزار مانند نیزه و تفنگهای فتیله ئی تا پیشرفته ترین آنها مانند تانکهای غول پیکر و موشکهای اوراگان و طیاره های بمب افگن به نمایش گذاشتند.

عبور این سربازان مجاهد با لباس هاي مرتب ارتشی و قامتهای افراشته و گامهای متین برای دوستان انقلاب اسلامی و هموطنان مسلمان خسته دل غرور و سر افرازی بخشید و بارقه هایی از امید به آینده افغانستان قوی و نیرومند اسلامی را درجان های افسرده شان درخشانید و برای دشمنان و بدخواهان انذار انتقام و اعلام «تاهنوز زنده بودن» داد. نظم و ترتیب قطعات اردو حکایت از یك اداره وتشکیل قوی و آگاه داشت که با دست یافتن به ابزار پیشرفته جنگی و تصرف شهرها و امور مملکت از دوران جهاد و روزهای نخستین

پیشرفته جنگی و تصرف شهرها و امور مملکت از دوران جهاد و روزهای نخستین
آن و ابزار ووسایل کاربرد آن دوره نه تنها غافل نبودند بلکه به عنوان ابزار اساسی دوران پر افتخار جهاد و آزادگی بر آن تکیه شده بود.

دسته هآی حامل دست چوبها و کارد و داس و کلنگ ، تفنگ های فتیله یی و یك تیر و کارتوسی، گروه اسپ سواران وموتر سایکل سواران مسلح همگی از شیوه ها و ابزار کاربرد دوران جهاد آزادیبخش تعبیر مینمودند.

دسته های اشتران و اسپان حامل وانتقالات نظامی خود چگونه از ابتدائی ترین و سایل کار می گرفتند در حالیکه دشمن از پیشرفته ترین تکنالوژی جنگي عصر بهره مند بود. این صحنه ها اگر از یك روی مراحل جهاد را به نمایش می گذاشت از روی دیگر پیروزی حق بر باطل و عدل بر ظلم و ایمان برتکنالوژی و خون بر شمشیر را بازگو می کرد.

عبور سریع و سرکش گروهی از اسپان قوی و بلند نمایانگر نقش مهم و اساسی اسپ در دوران جهاد ملت ما بود که هر آن، آن حدیثی جاودانه پیامبر علیه السلام را در مورد نقش اسپ در عزت و استقلال امت اسلامی در ذهن ها تداعی میکرد: «در پیشانی اسپان تا روز قیامت خیر و رستگاری گره خورده است».

یتیمان شهدای انقلاب:

جمع بزرگی از یتیمان در خلال قطعات سربازان از برابر حضار رژه رفتند.

در چهره های معصوم شان آیات درد بی پدری و جفای ستمگران هویدا بود. آنان غالباً فوتویی از پدران شهید خود را با خویشتن حمل مینمودند که در راه دفاع از اسلام و میهن اسلامی جان سپرده اند.

در صف مقدم این جمع فوتوی صفی الله افضلی سپه سالار شهیدان هرات بچشم می رسید که نوجوانکی آنرا حمل می کرد که بگمان اغلب او باید پسر آن شهید گرامی باشد.

این یتیمان پدر شهید باگامهای متین و استوار ونگاهای تیز و معني دار دو

این یتیمان پدر شهید باگامهای متین و استوار ونگاهای تیز و معني دار دو
پیام داشتند:

پیام با متانت گام برداشتن در راه پدران شهید خویش، راه دفاع از اسلام ووطن و آزادی و پیام دیگری به رهبران انقلاب و بزرگان امور که خاطرات جاودانه و تاریخ پر حماسه، پدران مان را از یاد نبرید و ما را در کویر بی پدري بی کس رها نسازید و بدانید که «کفیل یتیم در روز قیامت از نزدیکان پیامبر صلوات الله و سلامه علیه است».

معلولان انقلاب:

گروهی از معلولان که در پنج دسته، عده، با عصا چوب و برخی با بایسکل های مخصوص معلولان سوار بودند نیز رژه رفتند.

اینان در پیشاپیش خود لوحه، را حمل می نمودند که بر آن نوشته شده بود: ما افتخار داریم که بخاطر رضای خداوند جزئي از تن خویش را نثار کرده ایم.

به یقین نه شمار معلولان انقلاب در هرات درین پنج مجموعه خلاصه می شود و نه معلولان انقلاب در کل کشور ولی عبور این راد مردان آزاده که آنان را باید زنده شهیدان جانباز انقلاب خواند خاطره، جانبازی های بی مثال ملتمان را در دوران مبارزه وجهاد علیه استعمار کمونیسم روسی در یادها زنده می نمود و مسؤلیت بزرگان انقلاب را در قبال صدها هزار معلول جانباز تذکر و یاد دهانی

ص( )

هرات آیینه دارشکوه...

میکرد که اگر دیروز آنان بخاطر دفاع از آرمان و آزادی کشورمان فداکاري نمودند امروز نه فقط آنها لحظهء فراموش نشوند بلکه همراره باید بر تارك افتخارات ما جای داشته باشند.

نمودی ازجنازه شهدا:

جنازهء شهیدی که از ناحیهء پای مجروح گردیده و آثار خونریزی شدید از بسته هاي زخمش اشکار بود براشتری حمل می شد تا نمونهء باشد از هزاران شهیدیکه بی داکتر و دوا در جبهه های رزم دفاع از میهن اسلامی جان دادند.

و با ایثار و فداکاری درخت انقلاب را باخون بارور نمودند.

تمثیل مهاجرت به خارج از کشور:

باکودتای ننگین کمونستی ۷ ثور سیل مهاجرتها به خارج از کشور به سوی پاکستان و ایران و کشورهای دیگر آغاز گردید.

مهاجرت مردم افغانستان یکی از بزرگترین وتراژیدی ترین مهاجرتهای تاریخ دانسته شده است.

خانوادهء متشکل از زن و شوهر و پسر و دخترکی با لباسهای ژولیده وکفشهای کنده و سر و صورت گرد آلود که همه هست و بود خود را از دست داده وهجرت بسوی دیار دیگران را. در پیش گرفته اند تصویری بود از این داستان تراژیدی و درد آور مهاجرت افغانها که اجرای این نمایش با احیای آن صحنه های دلخراش بر روح و جان بینندگان اثر گذاشته و دریای اشك را از چشمان شان جاری کرد.

نمایشهاي هنری رزمی:

درخلال گذشت قطعات اردوی اسلامی بعضی از دسته ها به نمایشهای هنری رزمی از قبیل اجرای تمریناتی از کاراته آرم ونشان کمونیسم واتحاد شوروی سابق را که بر تخته سنگهایی رسم یافته بود به عنوان شکست وافتضاح خورد کردند و تمثال هایی از لینن و تره کی و امین و ببرك و نجیب رهبران اسارت و بردگی که بر کوزه هایی که در آنها کبوترانی زندانی شده بودند ترسیم گردیده بود با مشت هایی از جوانان اردو از هم پاشید و کبوتران زندانی به عنوان پیام آوران صلح و آزادی به آسمان به پرواز در آمدند.

مارخوری گروهی از کوماندوها یکی از صحنه های جالب ودیدنی دیگر بود که مجموعهء مار زندهء راکه حکایت از دشمن گزنده و خطرناك دارد کشته و گوشت زهرآگین آنرا با دندانهای خشم و قهر فشردند تا برآی دشمنان اسلام و میهن اسلامی مان اعلام کرده باشند که اگر قصد گزندی بما داشته باشید سرنوشتی بهتر از این مار گزنده ندارید.

ظهر هنگام وقتی که قطعات پیاده اردو از برابر لوژ می گذشتند هلیکوپتري از فاصلهء بسیار بلندی دو چتر باز را به فضا پرتاب کرد که به علت بعد فاصله هرگز معلوم نمی شد که کسی را با خود داشته باشند اما چتر بازان نیروی هوائی با مهارت ستودنی ، برق آسا بر جاده برگزاری رژه در برابر جایگاه در میان شو ر وهلهله و نعره های تکبیر جمعیت تماشاگر فرود آمدند و بر توانائی نیروی هوائی کشور تاکید گذاشتند.

رژه نظامی روز ۲۹ حمل به ساعت دو بعد از ظهر پایان یافت.

رژه منسوبان تعلیم و تربیه و هنرمندان وپیشه وران:

صبح روز دوم جشن دهه فتح به رژه منسوبان تعلیم وتربیه وهنرمندان و پیشه وران اختصاص یافته بود.

۴۵۰ تن از محصلان پوهنتون هرات و یکصد وبیست هزار شاگرد از ۳۵۰ باب مکتب با بیشتر از شش هزار استاد و معلم در این رژه اشتراك ورزیدند.

نظام تعلیم وتربیه بعلت جنگهای خانمانسوز جنگ افروزان، در سراسر کشور صدمه بزرگي دیده است و در شهر کابل قلب کشور مان عملاً گذشته از پوهنتون همهء مکاتب و مدارس به حالت تعطیل در دآمده وساختمان های آنها به پناه گاههای جنگزدگان ستمدیده مبدل گشته است. اما صفوف بهم پیوسته محصلان و شاگردان در مراسم رژه بیانگر اهتمام عمیق دولت اسلامی افغانستان ومسؤلان ولایت هرات به امور تعلیم و تربیه فرزندان آینده کشور داشت.

رژه محصلان وشاگردان نمایشهاي هنری ورزشی رزمی زیادی را باخود داشت.

هرچند گاهی ، گروهی داس و چکش



منقوش بر تخته سنگهایی را به عنوان آرم ونشان کمونیسم اسارت آور با مشتهای آهنین خود درهم می کوبیدند.

تابلوهای از صحنه های مبارزه ملت مسلمان مان با قشون سرخ روسی ونمودهایی از وحشی گری کمونیست ها به شکوه و زیبایی رژه افزوده بود.

عبور دختران مکاتب که لباسهای ویژه برتن داشتند و سوار بر موتر هایی سرودهایی را بمناسبت دومین سالکرد پیروزی جهاد زمزمه میکردند هیجاناتی در بینندگان می آفرید.

پیشه وران، صنعتگران و هنرمندان دستگاههای کار وابزار صنعت خود را بر روی موترهای بزرگی آراسته بودند که هریك به نوبه خود بخشی از صنعت و فرهنگ هرات را اعم از پارچه بافی و قالین بافی وکاشی کاری ومیناتوری وخزافی و... به صورت خوب و دلپذیری نمایش میدادند.

رژه و روز دوم جشن که از ساعت ۹ صبح آغاز یافته بود تا ساعت ۲ بعد از ظهر دوام کرد.

محفل شب شعر:

شب ۲۹ حمل در کمپ اطلاعات و فرهنك محفل مجللی بنام شب شعر دایر گردید.

در این محفل شعراء سروده هایی زیبایی در رابطه با دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در کشور و درد و آه جنگهای فاجعه آوران قدرت طلب کابل داشتند.

کمپ اطلاعات و فرهنگ را نمونه هایی از خط های زیبا، تابلوهای قشنگ و میناتوری های دیدنی در خود پیچده بود. تابلوی بزرگ استاد خلیلی ملك الشعرای انقلاب اسلامی که با انگشتان نقاش چیره دستی تصویر یافته بود توجه همگان را بخود میخواند.

دیکور و آرایش محل برگزاری جشن:

محل جشن جدا از صحنه برگزاری مراسم رژه انتخاب شده بود. پارك آزادی به محل بر پایی کمپ های جشن اختصاص یافته بود.

بیشتر از دوصد کمپ از سوي ادارات دولتی و اجتماعی درین ساحه برپاشده بود سراسر ساحهء جشن را گروپ های رنگارنگ که از ماشین دیزلی ای انرژی می گرفت مزین ساخته بود. هرکمپی روزانه برای خود برنامه داشت.

درامه ها، شعر و سرود خوانی ها، مسابقات هنری فرهنگی،نمایش فلم های تربیتی از جمله این برنامه ها محسوب می گردید.

تابلوهایی از تصاویر شهیدان و صحنه هایی از مبارزه با اشغالگران وشعار های انقلابی اسلامی با خطهای زیبا به زیبائی دیکور و آرایش کمپ ها می افزود.

در برگزاری کمپ ها تلفیقی از فرهنگ افغانی با ذوق و سلیقهء ایرانی بخوبی بچشم می خورد وهرچند هرات در تاریخ فرهنگ پربار اسلامی ریشه های عمیقی دارد اما هرآگاهی به آشکارا اثر ذوق ایرانی را در مظاهری می دید که حتماً می توان از آن با صفت یکی از حسنات هجرت یاد کرد. و این امر یکی از نیاز های مبرم جامعه افغانی ماست که خوبی را در هرجایی که باشد برداریم واز بدی در هرجایی که باشد دوری جوییم و در برخورد با داشته های دیگران طوری عمل کنیم که اصالتهای خود را از دست ندهیم.

حضور گسترده زنان درهمه صحنه های جشن:

زنان در همه صحنه های جشن حضور وسیع و گسترده ، داشتند. از دو بخش لوژیکی آن به زنان اختصاص داده شده بود. درامتداد یکطرف خیابان برگزاری رسم گذشت زنان قرار داشتند.

خواهرانی از کابل و پشاور از سوی سازمان خواهران هرات در این مراسم دعوت شده بودند. خواهران هرات نمایشگاه بزرگ و زیبائی از تابلوها و تصاویر هنری و داشته هاي فرهنگی ترتیب داده بودند که در روز دوم جشن توسط برادر محمداسماعیل خان افتتاح گردید.

در این نمایشگاه گذشته از صحنه های مختلف مبارزه وجهاد و هجرت بخشهای گوناگونی از فرهنگ مردم مسلمان ما به نمایش گذاشته شده بود.

درمحل برگزاری جشن، گذشته از آنکه برای زنان کمپ های خاصی در نظر گرفته شده بود در هر کمپي جای خاصي برای زنان آماده گردیده بود.

خلاصه می توان گفت حضور گسترده زنان درتمامی صحنه های جشن دومین سالگرد پیروزي انقلاب اسلامی کشور در هرات به ادعاهاي دشمنان مبنی بر عدم نقش زن درجامعه نو بنیاد اسلامی خط بطلان کشید و جایگاه ویژه زن را در انقلاب اسلامی ثابت ساخت.

پیام های جشن هرات:

جشن هرات پیام هایی داشت. پیام امید و خوش بینی به آینده و امید به بازگشت امنیت و استقرار به همه کشور برای دوستان انقلاب اسلامی و پیام نابودی و اضمحلال و رسوائی برای دشمنان آن چون فروپاشی نظامی ملیشه ها وحامیان آنان که از میدان هوائی شیندند تا شهر هرات بیشتر از شصت هزار نفر را در بر می گرفت دلیل روشنی است بر زوال پذیری جریان ملیشه بازی.

اما جشن هرات برای محمود مستیری فرستاده سازمان ملل جهت برقراری صلح در افغانستان پیام جدی تری داشت.

هرچند شخص محمود مستیری بعلت مریضی در صحنه های برگزاری رژه حضور نداشت تا استقبال و حمایت گسترده توده های مردمی را از انقلاب ومقام ریاست جمهوری کشور به چشم سر مشاهده کند ولی بدون تردید همهء جزئیات را توسط «ستوریس مسیوریس» معاون خود دریافته بود...

او که روز قبلش در مزار شریف در مراسم رژه نظامی ملیشه ها که در فضای آگنده از رعب و خوف برگزار گردید اشتراك نموده بود و از آن بخوبی یادکرده بود چنین می نمود که مشاهدهء صحنه های پر شور وحمایت از دولت وانقلاب برایش خوشایند نبود هرچند به ظاهر از آن ابراز خوشنودی مینمود چون با عمومیت یك چنین فضایی دیگرهمه مقوله های او ویارانش ارزش خود را از دست خواهند داد.

آقای مستیری وقتی می دید که در سراسر هرات سلاح بدستی بچشم نمی خورد و حتی مسؤلان دولتی بشمول شخص محمد اسماعیل خان بادیگارد مسلحی ندارد و مردم همگی یکپارچه از دولت و انقلاب و رئیس جمهور شان پشتیبانی می نمایند بدون شك به عمق اشتباه خود مبنی بر رهبر باند مسلح خوانی رئیس محترم جمهوری دولت اسلامی افغانستان پی می برد و بیجا نیست که در دیدارش با محترم امیر حوزه جنوبغرب ازین گفته خود انکار کند و آنرا گزارش غلط خبرنگاران تلقی نماید.

پیام دیگر این مراسم باشکوه این بود که بر خلاف ادعاهای بی پایهء دشمنان جهاد و انقلاب اسلامی، مجاهدان تنها هنر خوب جنگیدن را بلد نیستند بلکه با هنر خوب حکومت کردن و خوب نظم و اداره آوردن نیز آشنا اند و اگر دشمنان مان ما را بحال خود بگذارند به زودترین فرصت شاهد استقرار امنیت و آسایش و باز سازی در سراسر کشور خواهند بود.

پاسداری ازارزشهای انقلاب:

هرات امروزی پاسدار ارزشهای والایست که در برابر هر حرفی از کلمات آن خون شهیدی ریخته است.

واژه ها واصطلاحاتی چون شهید و شهادت فداکاری و ایثار، جهاد و مبارزه، عدالت و آزادی ارزشهاي بزرگی اند که انقلاب اسلای ما برای نسلهای آینده کشور و فرهنگ انقلابی مسلمانان جهان آنها را احیا کرد اما مفهوم این ارزشهای والا در آتش جنگهای قدرت طلبان در کابل چنان سوخت که گاهی نمی توان از آنها به آسانی نام برد و لی هرات نه تنها حیات و طراوت این ارزشها را حفظ نموده است بلکه به آنها حیات نو و روح تازه بخشیده است بناءً هرات را می توان پاسدار شکوه و عظمت انقلاب خواند.

الوداع الوداع!!

من از افراد متعهد، مخلص و بسیار وفادار حزب اسلامی و در واقعیت آقای حکمت یار بودم. فکر میکردم تنظیم ما صد درصد اسلامی، اصولی و جهادی است و رهبر ما صد در صد مسلمان، مجاهد، قاطع، باانرژی و سازش ناپذیر!

من تحت تأثیر و تلقین رهبری حزب، دشمنی باهمه تنظیم ها و شخصیت ها و مدح و ستایش رهبری تنظیم خویش را عمل صد در صد اسلامی وجهادی می پنداشتم و در گفته ها و نوشته های خویش، إتهامات، بر چسب ها، دشنام ها و ناسزا هارا نثارتنظیم ها و شخصیت های جهادی می نمودم!

فکر می کردم که واقعاً دیگران در برابر روس ها و کمونیست هاو غربی ها انعطاف پذیر اند و فقط رهبر ما و تنظیم ما بصورت ثابت و اصولی از اساسات دین و اهداف جهاد پاسداری می نماید و به معامله گری ها و سازش ها نمی پردازد!

ولی آهسته آهسته متوجه می شدم که اعمال و حرکات ما مغایر همان اصول و مقرراتی است که ما سخت به آن می نازیم و افتخار می نماییم!

در صفحه، ۳۵ مسؤلیت های عضو حزب اسلامی می خواندیم که باید «صادق وراستگو بوده از کذب و دروغ به شدت بپرهیزیم، افواهاتی که واقیعت آن کاملاً به ثبوت نرسیده شواهد مؤثق و شرعی وجود نداشته باشد، هم از قبول آن خود داری نماییم و هم از اشاعه، آن اجتناب ورزیم.

واشخاصی که این کار را انجام می دهند، طرف ملامت قرار داده و ممانعت نماییم.

ولی در عمل می دیدیم که شخص امیر خود خلاف آن عمل می کند و مانیز به پیروی ار بستن اتهامات و دروغ ها و اشاعه، افواهات دریغ نمی ورزیم و هر عملی که موجب تضعیف دیگران گردد به آن مبادرت می نماییم ...

در صفحه، ۳۸ مسؤلیت های عضومی خواندیم که:

« جرأت اعتراف به گناه و اشتباه را داشته باشیم و از انتقاد سالم برادران مسلمان خویش تحریك نگردیده، نسبت به آنها عقده نگیریم بلکه انتقاد سالم و شرعی برادران خویش را توأم با سپاسگذاری و امتنان بپذیرم » ولی در عمل نه تنها به گناهان و اشتباهات خویش اعتراف نمی نمودیم بلکه سعی در توجیه و شرعی جلوه دادن آن می کردیم و حتی آنرا بار بارتکرار نیز می نمودیم !!

می خواندیم که « در برابر افراد مؤمن متواضع باشیم، با عاطفه، رحمدل و در برابر انسان و حیوان دلسوز و مهربان باشیم »ولی در عمل متکبر بوده و درس بیرحمی، کینه و قساوت در برابر مسلمانان به ما داده می شد. همه مجاهدین و همه تنظیم ها را دشمن می پنداشتیم و با آنان کینه و خصومت داشتیم. باآنکه می دیدیم که دیگران مارا برادر میدانند و با ما مهر و محبت و علاقه دارند و حتی از رهبر ما به نیکویی یاد می کنند ولی ما فقط خود را مجاهدین مخلص و مومن می پنداشتیم و دیگران را محافظه کار، آلوده و گناهکار می دانستیم.

در صفحه، ۵۷ مسؤلیت های عضو می خواندیم که:

« از تعرض به کرامت، آبرو وشخصیت افراد خود داری نماییم زیرا بدترین تجاوز و تعدی عبارت از آنست که نسبت به عزت و آبرو و حیثیت مسلمان صورت میگیرد »ولی بازهم درعمل هم امیر ما و هم خود ما در گفته ها و نوشته های خویش به کرامت، ابرو و شخصیت رجال جهادی بدون استثناء تجاوز می نمودیم و هیچکس از دست و زبان ما محفوظ نبود در صفح ۵۹ می خواندیم که:

« از بد گویی، بد زبانی و دشنام به سختی اجتناب ورزیم و هم در صحبت ها و هم در اثنای جدل و مخاصمه جداً متوجه آن باشیم که از چوکات اخلاقی اسلامی خارج نگردیم و به سطح اخلاق غیر اسلامی سقوط ننمایم، زیرا در نزد خداوند، بدترین شخص از لحاظ مقام و مرتبت در روز قیامت کسی است که بخاطر ترس از بد زبانی او مردم از تماس او و برخورد با او اجتناب می ورزند» ولی در عمل در تبلیغات و نشرات خویش درجهت مخالف آن عمل می نمودیم.

در صفحه ۹۸ می خواندیم که:

در جدو جهو دوامدار برآی تحکیم وحدت میان نیروهای اسلامی در داخل کشور و حل اختلافات فرعی ذات البینی، در ظاهر و باطن باید نسبت به آنها از لعن، طنز، تحقیر و اهانت کار نگرفته به عنوان حریف در جستجوی شکست و ناکامی انها نباشیم»

می خواندیم که «سیاست این حزب در قبال سایر گروه های اسلامی سیاست انعطاف پذیر، مبنی بر دلسوزی و همدردی و احساس اخوت و برادری بوده از طنز و تعرض، جنگ و جدل با آنها اجتناب می ورزیم و به خود حق نمیدهیم که بر خلاف آنها به پرو پاگندهای نا روا و ناجایز مبادرت ورزیده، مواقفی در قبال آنها اتخاذ نمی نماییم که منجر به بعد فاصله و افتر اق شدید گردیده، عداوت ها و دشمنی های آشتی ناپذیر ایجاد شود...»

ولی در عمل باز هم صد در صد مخالف آن عمل نموده و نه تنها احساس مسئولیت نمی کردیم بلکه به این عمل فخرو مباهات نیز می نمودیم.

هر تنظیم جهادی را حریف، دشمن و رقیب خود می پنداشتیم و حتی سعی می نمودیم تا با تبانی و همکاری، روس ها و کمونیست ها آنها را سر کوب و نابود سازیم.

اجازه نمیدادیم جبهه دیگری در کنار ما قرار داشته باشد بنا برین در سراسر افغانستان با همه تنظیم ها و همه جبهات می جنگیدیم و در ۹۸ در صد برخوردهای داخلی یك طرف برخورد ما بودیم!!

ما کاملاً احساس می نمودیم و به چشم سر می دیدم که مجاهدین و متعهدین دگر تنظیم ها ما را برادر میدانند، در دفاتر اتحادها و حکومت ها با ما همکاری دارند، صحبت و علاقه دارند و در جبهات با ما همکاری و دلسوزی دارند ولی برای ما درس کینه و عداوت و خصومت داده می شد سعی می نمودیم تا جزماکس دیگر مطرح نباشد، همه نیکی ها وخوبی ها را به تنظیم و رهبر خود اختصاص میدادیم و همه بدی ها و زشتی ها را به دیگران نسبت میدادیم.

می دیدم که دیگران در شادی و غم ما شریك بوده، ما را برادر میدانند، به دفاتر و منازل ما رفت و آمد دارند ولی ما رفتن به دفتر و منزل آنان را عار میدانستیم و اکثراً از اطلاعات حزب هراس داشتیم تا مبادا با این عمل در اخلاص و تعهد ما به دیده شك نگریسته شود!!

می دیدیم ، می خواندیم و می شنیدیم که افراد صاحب نظر و اهل رأی سایر تنظیم ها می توانند و جرأت آنرا دارند تا بر اعمال و پلان ها و سیاست های غیر اصولی رهبران خویش انتقاد نمایند و صد در صد حامی و مبلغ همه حرکات و اعمال نیك و بد آنان نباشند ولی ما نه این جرأت را داشتیم و نه، برای ما این زمینه مساعد بود و ناچار بودیم تا طوطی وار حرف های رهبری را تکرار نماییم ولی بهمه حال فکر می کردیم که تنظیم ما و رهبر ما قاطع و سازش ناپذیر است!

کودتای تنی و حمایت صد در صد رهبری ما زنگ خطری بود که سوال اصولیت و سازش ناپذیری رهبری را جداً مطرح ساخت. این موضوع حتی با اعضای اجرائیه در میان گذاشته نشده بود و پس از شکست کودتا مهماندار اعضای دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست خلق گردیدیم.

می دیدیم که اعضای سابقه دار، مخلصی و وفادار حزب در کمپ ها و خیمه ها از گرمی و فقر رنج می برند، اولاد شان از شدت فقر و گرسنگی و بی چیزی به اسکلت های متحرك مبدل شده اند ولی در حیات آباد و اسلام اباد درمنازل لوکس و مجهزبا قالین، ایرکندیشنر یا یخچال، تلویزیون رنگه و ... میزبان خلقی هستیم و ماهانه ده ها هزار روپیه را صرف ملحدین جنایت کار و آدمکشان کافر می نماییم پس از پیروزی جهاد فکر می کردیم که بر اساس معاهده پشاور سهم مناسب به ماداده نشده و حق ما ضایع و تلف شده و یك شخصیت غیر جهادی و مشبوه چون مجددی در راس دولت قرار گرفته، بنا برین باز هم ادامه، جنگ را لازم میدانستیم. هر چند می گفتیم و می نوشتیم که فقط باخروج روس ها جنگ خاتمه نمی یابد و یا پس از سرنگونی رژیم کمونستی جنگ خاتمه می یابد.

بعد فکر می کردیم که برای خروج ملیشه ها جنگ لازم و اجتناب ناپذیر است، بنا برین در دفاع از جنگ رهبری تنظیم خویش با دولت اسلامی مطالبی گفتیم و نوشتیم ولی بعد دیدیم که رهبری ما با کمونست ها و ملیشه ها علیه تنظیم های جهادی ائتلاف می نماید و عملاً با ملیشه ها در یك سنگر علیه برادران مجاهد ما می جنگد، پس دانستیم که همه بهانه های جنگ تمام شده و رهبری ما جز خود به هیچ فرد دیگر قانع نیست و بر خلاف اصول حزب، راه جنگ، کشتار و تباهی و ویرانی را در پیش گرفته است، پس چرا بجنگیم و تاکی بجنگیم و اخر چرا اخرت خود را بخاطر دنیای خیالی و ریاست جمهوری آقای حکمتیار فدا نماییم!

برای ما تعجب آور بود که یکروز دستور می گرفتیم تا با لحن شدید علیه مجددی و دوستم بنویسم و بعد دستور گرفتیم که سکوت نماییم و بعد تائید!!

بالاخره دانستیم که تنظیم های جهادی با ما مشکل ندارند بلی فقط این آقای حکمتیار است که با آنها مشکل دارد و این مشکل نیز تا زمان محو کامل همه تنظیم ها و شخصیت های معروف حل نمی گردد و این راه جنگ و کشتار و تباهی و ویرانی را که حکمتیار در پیش گرفته نه تنها از لحاظ شرع و عقل جایز نیست و صد درصد غیر اسلامی و غیر انسانی است بلکه به نفع خود او نیز نمی باشد و همه روزه اعضای متعهد و مخلص حزب، فوج، فوج ا.و را با سیاست جنگ طلبانه اش تنها می گذارند و من نیز اضافه از ین نمی خواهم شریك کار های او باشم ومی گویم که الوداع حکمتیار، الوداع

بمناسبت دومین بهار پیروزی و دومین سالگرد
دهه‌ء فتح در هرات باستانی

سوزنامه و سوگ

گل، باز شده مشعله دار چمن امروز
بلبل شده خنیاگر هر انجمن امروز

افروخته فانوس شقایق، به ره باد
دستان سخاو تگر دشت و دمن امروز

خمخانهء صد میکده، بگرفته بردوش
گلشاخه پر لخلخه نسترن امروز

شهد ختر گل، بهر عنایت شده بیرون
تا دفع کند فتنهء شهر ختن امروز

تا ابر گهر بار ببارد گهر خویش
هر غنچه گشوده به تمنا دهن امروز

با عطر شگوفه، به دلارائی ی مابین
آن پیر درختی که شده گلبدن امروز

ترسیده، قدح باده کشی دوش همی زد
زاهد چو بدید گفت: معافی! بزن امروز

فرش است زمرد؟ که چنین سبز نماید
برسطح زمین، یا که شگفته چمن امروز

حیرت زده فریاد زدم: شاه چمن کیست؟
گل،عشوه کنان داد جوابم که: من امروز

فریاد زنان، رقص کنان، بال و پر افشان
چون خیل پرستو بنگر، مرد و زن امروز

لبریز هیاهو شده هر درهء خاموش
سر شار ترنم، همه جا جان و تن امروز

بلبل نه فقط نغمه سرا گشته که حتی
گل کرده غزل، بر لب زاغ و زغن امروز

هر مرده دلی چرخ زنان زمزمه دارد:-
تن تن تننا، تن تننا تن تنن امروز

از پردهء هرنای زده سر گل شادی
اما، مگر از نای منی پر محن امروز:

آخر به چه تزویر توانم که بخندم
با یاد پریشاني آن هموطن امروز

آغاز بهار است، خدایا چه بگویم
از درد دل کابلی ی بیوطن امروز؟

ای هموطن ای غرقهء سیلاب شقاوت!
فریاد! که گل آمد و تو در لجن امروز

ای شهر فرو سوخته! ای کابل خونین!
آتش زده داغ تو به باغ سخن امروز

باران بهاري نتوانست بشوید،
تصویر غمت، از ورق یاسمن امروز

بر سبزهء خونین چمنزار تو هیهات
دارد سپه فاجعه ها، تاختن امروز

خونین بدنانند عزیزان تو اینك
چون لاله حمرا، همه جا بی کفن امروز

فریاد بود، میخك سرخ لب باغت
از شعله ی پیچیده به هر نارون امروز

آبت، همه آتش شده، بادت همه باروت
آبت همه زهر است، زاهل فتن امروز

رودت، همه از خون شهیدان تو لبریز
کوهت شده خم درغم صد کوهکن امروز

بر قامت رعنای تو بس شعلهء سوزان
پیچیده به کردار یکي پیرهن امروز

در زلف دلارای تو، ای مادر غمگین!
صد موج پریشان شکن در شکن امروز

آن دُرج ثمیني که به صد رنج خریدی
در دا که ربود از کف تو اهر من امروز

ای شهر فرو سوخته! ای کابل خونین!
آتش زده داغ تو به باغ سخن امروز

سوگ تو در آمیخته با سور مَن اینك
داغت شده از بس که مرا مقترن امروز

بر باد شدی، کیست نسوزد زو بالت؟.
یا کیست نداند سبب این محن امروز؟

از دست جگر گوشه بدین حال فتادی
ای وای تو و وای وی و وای من امروز

زین فاجعهء محض، فقط یار تو بادا
در پای سخاْ و کرم ذوالمنن امروز

هرات سید ضیاء الحق «سخا»

گلونه او ارمانونه

دسره گوگل دسروزخمو په خاطر
بهاره وسپړه خزان گلونه
چی پکښی رنګ دپسرلو ښکاره شی
لږ خو مُسکی کړه داخواران گلونه
ظالم یادونه تری نه لیری ساته
چی مړاوی نشی دآرمان گلونه

ښایست پروره دښکلا موسمه
دښکلا وږی بهارونه غواړي
دلته بي وسی اومهجوری مینی
تالااوربل ته سره گلونه غواړی
دلته دځوانو لحدونو دنیا
څوگلدستی او غونچکونه غواړی

غواړو چی دغه مرور آسمان دی
یوځل حندان شی پرراغونو باندی
دبهارونو د وړموقطار دی
یوځل روان شی پرقبرونو باندی
بیادی یوشین بخمل راوغوړیږی
پرایلبندونو پردښتونو باندی

یوځل خوراشه ای د حسن سخی
چی مونږ شیندو پرخپل جانان گلونه
دسره گوگل دسرو زخمو په خاطر
بهاره وسپړه خزان گلونه
چی پکښی رنګ دپرهارو تازه شی
لږخو مسکی کړه داخواران گلونه

دچا دخوار سپیره اوربل په خاطر
گوره چی مونږه بد نصیب پری نه ږدی
دچا ریښی ریښی شملی په خاطر
گوره چی مونږه خوارغریب پری نه ږدی
اي دښکلا سخي دحسن سخی
مونږه پیغور ته د رقیب پری نه ږدی

بهاره مونږ به تاته وتخنوو
دغه زخمي دغه داغلي زړونه
بهاره مونږ به تاته وغوړو
دغه خزان په یخ ترتلی زړونه
ای دښکلا او دښائست موسمه
خپه مونکړی غم ځپلی زړونه

زمونږه ارمان دی چی داستا په راتگ
مونږه شیندو پرخپل جانان گلونه
پرخپل کنهر کنهر او وران وطن مو
راخپرو د گلستان گلونه

کوئته عصمت قانع

گزافه گوئی و تحریف حقایق

چه عواملی باعث و قوع جنك اخیر در کابل شد؟

تمایلی نداشتم تا درمورد عوامل جنگ اخیر کابل که وارد پنجمین ماه خود گردیده است چیزی بنویسم . اما وقتي مجله افغانستان که تازه منتشر شده است بدستم رسید و مقاله ای تحت عنوان جنگ کابل چرا او چگونه آغاز گردید» را در آن مطالعه کردم تصمیم گرفتم تا چیزی بنوسیم. زیرا نویسنده که ظاهراً آدم باخبر تحلیلگر و شاهد عینی از صحنه جنگ بوده و نوشته، خود را با چنین روحیه نوشته است، اما بر خلاف بخش اعظم از گزارش و تحلیل او کذب و دور از حقیقت بود علاوه بر آن در تحلیل و گزارش خود بطوریك جانبه از موضع، آنچه را که جنبش ملي اسلامی خوانده بدفاع پرداخته است.

مقاله در آغاز از مقدمه چنیی شروع جنگ تگاب توسط احمدشاه مسعود بر ضد گلبدین حکمتیار سخن میزند که این یك دروغ آشکار است. چون این حکمیتار بود که با استفاده از نام قوم احمدزی براي انتقام گیری خون شمالي خان به سروبي و تگاب حمله کرد و شوراي سروبی را که متشکل از احزاب مختلف جهادي بود خلع سلاح نمود. نویسند مقاله بعد از این می گرید که دولت کابل قوماندان امیر را دستور داد تا به شیرخان بندر که در کنترول دوستم است حمله کند و مسعود تصمیم گرفت که قبل از جنك تگاب از طرف شرق وجنوب بر مزارشریف حمله نماید. دروغ در این گفته بسیار وضاحت دارد. مسعود چگونه تصمیم گرفت که هم در تگاب با حکمتیار جنگ فصیله کن براه اندازد و هم از جانب شرق و جنوب بالای قوای دوستم در مزار شریف حمله کند. در حالیکه نیروهاي دوستم در کابل وجود داشت و این پلان که چنگ در تگاب و درمزار براه بیفتدند نه از لحاظ سیاسی و نه از لحاظ نظامی دقیق و منطقی بود و هرگز مسعود چنین پلانی نداشت و نه حرفی از آن بمیان آمده بود. اینکه نویسنده، مضمون مجله، افغانستان چنین می گوید هدفش این است تا بغاوت ملیشه هاي دوستم و ائتلاف آنها را با حکمتیار در برابر دولت اسلامی افغانستان توجیه کند و آنها را در بغاوت وفتنه، شان به عنوان یك عمل دفاع از خود حق بجانب نشان دهد. هم چنان دستور دولت به قوماندان امیر در حمله به شیرخان بندر حقیقت ندارد. زیرا قوماندان امیر با دولت بر سر استقرار نیروهای قوماندان قول اردوی نمبر ٦ و مرکزیت قوماندان مذبور به کندز اختلاف داشت مشکل دولت در این مورد با قوماندان امیر حل نگردیده بود.

در مقاله تصرف شیرخان بندر از سوی قوماندان امیر آغاز فرو پاشی ائتلاف شمال خوانده مي شود که البته بکار بردن کلمه، ائتلاف شمال از سوي مقاله نویس قابل بررسي و بحث بیشتر میباشد و مانند سایر بخش هاي تحلیل و گزارش او اند جنگ اخیر کابل دور از حقیقت است. زیرا آن مفهومي را که نویسنده به قول خودش از ائتلاف شمال یا ائتلاف میان مسعود و دوستم می گیرد و آن مفهومی راکه کلمه‌ي ائتلاف بصورت معمول دارد اصلاً میان مسعود و دوستم در آغاز سال ۱۳۷۱ و جود نداشت. احمدشاه مسعود منحیث یك فرمانده مدبر جهاد از اختلافات داخلی جناح هاي رژیم کمونیست کابل استفاده کرد و باجدا ساختن دوستم و ملیشه هایش از نجیب، رژیم را سقوط داد. مسعود هیچ تعهد و پیمانی را با دوستم که بیان‌گر ائتلاف میان هم باشد به امضا نرسانیده است. اگر چیزی در این مورد وجود میداشت تا کنون دوستم آنرا به عنوان شاهد و سند تخلف مسعود از تعهداتش بار بار برخ ژونالیستان و بروي مطبوعات می کشانید. اگر نویسنده از سواد ابتدایی در امور سیاسي بهره مند باشد میداند که ائتلاف میان دو گروه و رهبري آنها بمعني توافق و پیمان کتبی، رسمي و مشخصی در مسایل مختلفی است که زمینه، عمل مشترك و هم آهنگ آنها را آماده میسازد هر چند آقای حکمتیار و هوا خواهانش نیز از ائتلاف جبل السراج که به عقیده، آنها میان احمدشاه مسعود و دوستم در حمل ۱۳۷۱ صورت گرفت سخن مي زنند اما تاکنون در مورد هیچ گونه سند و مردرك معتبر و کتبی ارائه نکرده اند.

نویسنده مقاله مجله افغانستان عامل ائتلاف اخیر احکمتیار و دوستم یا عامل ایجاد شورای هم آهنگی را در تصامیم و عمل رهبری جناح های ائتلاف که از شکست خود در برابر دولت اسلامی احساس نگرانی میکنند خلاصه مینماید. در حالیکه این تحلیل نیز از دقت و صحت برخوردار نیست. زیرا نقش اساسی را در ایجاد این ائتلاف خارجیاها و عمدتاً دستگاه های استخبارتي کشورهای خارجی در جهت تامین منافع خود ایفا نمودند و همین استخبارات بیگانه آقای صبغت الله مجددي را که هر چند در سالهای جهاد آزاد منشي می نمود و دستگاه استخبارات بیگانه را بنا بر مداخله اش در امور مجاهدین مذمت میکرد ملعبه و وسیله منافع خود قرار داد و مامورش ساخت تابانزدیك ساختن دوستم و حکمتیار زمینه آنچه را که امروز بنام شوراي هم آهنگی شهرت دارد و پنج ماه است که مردم کابل را دچار رنج و عذاب وحشت خود ساخته اند، مساعد نماید.

نویسنده مضمون « جنگ کابل چرا و چگونه آغاز گردید؟» منحیث یك شاهد عینی در روز اول جنگ باز هم گزارش دروغین و غلط از جریان جنگ وموقعیت ملیشه های دوستم در نخستین روز جنگ ارائه می کند. شاید نویسنده متوجه نشده باشد که گزارش جریان جنگ را نمي توان مثل تحلیل و تفسیر عوامل جنگ نادرست و غیر واقعی ارائه کرد، چون صدها حتی هزارن نفر از شهروندان کابل شاهد و ناظر جریان روز اول جنگ و موقعبیت ملیشه های دوستم بودند و مشاهده کردند که ملیشه ها تا کجا پیشروی کردند و کجا را تصرف نمودند.

در مقاله با تعجب مي خوانیم که نویسنده نگاشته است: «... هشت صبح قواي دوستم قطعه • مربوط به گارنیزیون را تسخیر نموده از پل مکروریان عبور کردند تا ساعت ۹ صبح مکروریان های ۳ و ٤ را نیز تصرف کردند و به پیشروي خود ادامه دادند و به سرعت توانستند رادیو کابل، تعمیر سابقه کمیته مرکزی، تعمیر مقابل ارگ و بسیاري از نقاط مهم دیگر شهر کابل را تصرف نمایند..» نمیدانم نویسنده دروغ به این بزرگی را چگونه به قلم می آورد و نام آنرا یك گزارش و تحلیل جالب ومستند میگذارد؟ من به حیث شاهد عینی در ساحاتیکه نویسنده آنرا مناطق تسخیر کرده ملیشه های دوستم ذکر مي کند از همان آغاز جنگ در سحرگاه یازده جدی ۱۳۷۲ حضور داشتم و هزاران تن از همشهریان کابل خاصتاً در مکروریانها در همین روز شاهد و ناظر این جنگ بودند اما همه به چشم سر دیدند که تمام تعرض و تلاش ملیشه ها جهت عبور از پل مکروریان و تصرف رادیو کابل به ناکامی انجامید. صدها نفر شاهد قهرماني آن مجاهدینی بودند که در پل مکروریان جلو پیشروي ملیشه های دوستم را گرفتند و دو تانگ تویدار آنها را با فیر راکت منهدم ساختند.

ملیشه های دوستم حتی براي یك لحظه هم نتوانستند در پنج کیلومتري رادیو کابل برسند چه رسد به آنکه رادیو کابل را تصرف کرده باشند. ملیشه ها نه تنها که مکروریان ۳و٤ را در روز اول جنگ تصرف نکردند بلکه بر عکس پوسته های آنها در هردو مکروریان مذکور تا ظهر روز یازدهم جدي به تصرف نیروهای دولت در آمد و تمام ملیشه های دوستم در همان روز اول جنگ از کلیه نقاط شهر کابل به استثنای میدان هوای خواجه رواش تصفیه شده و ملیشه هاي متعرض به آن طرف دریاي کابل در ساحه، مکروریان کهنه و ارتفاعات بالاحصار و تپه مرنجان رانده شدند.

نویسنده در مقاله، خود از تصرف تپه، بی بی مهرو توسط ملیشه هاي دوستم که قوای جنبش مي خواند نیز سخن مي گوید که این ادعا نیز دروغ محض است. تپه، بی بی مهرو مانند رادیو کابل یك لحظه هم در تصرف ملیشه ها نیامد.

نویسنده در چند جای مقاله، خود از پرداخت یکصد هزار افغانی معاش ماهوار توسط دولت به افراد مسلح خود سخن مي گوید که این نیز کاملاً عاری از حقیقت است مجاهدیني که در قطعات اردوي دولت به حیث عسکر ایفای خدمت می کنند ماهانه سی هزار افغانی معاش در یافت مینمایند که بعضي اوقات حتی معاش ماهانه شان بصورت منظم پرداخته نمی شود. چه رسد به آن رقمي که داستان نویس مقاله نامبرده از آن تذکر میدهد.

بدون شرح

● مونږ پرکابل باندی په زور دحکومت کولو اراده او فکرنه لرو او تولوته څرگنده ده چې دکابل دائتلافی حکومت اصلی جمهور رئیس په مزار شریف کی دی.

حکمتیار شهادت پنجشنبه ۷ عقرب ۱۳۷۱

● ما ملیشه ها را از کابل خارج می سازیم و تسلط آنها را در شمال هم خاتمه میدهیم.

حکمتیار جریده شهادت پنجشنبه ۱۹ سنبله ۱۳۷۱

● ما با دو شرط به ریاست استاد ربانی اعتراض نداریم: (نخست طرد عناصر کمونست از دوایر دولت واخراج ملیشه ها از کابل ثانیاً برگزاری انتخابات).

حکمتیار شماره ٥٤١ جریده شهادت پنجشنبه ۹ میزان ۱۳۷۱

گفتید، بشنوید

شهادت:طوفان شدیددربنگله دیش،تلفات و خسارات هنگفت بر جاي گذاشت.
فتح: عجیب است بر حوادث طبیعی اظهار تأسف میکنید و اشك تمساح میریزید ولي از کشتار مردم در کابل خم بر جبین تان ظاهر نمي شود.
شهادت: ترکیب نامتجانس از تلفیق اندایشه ها
فتح: ولی ترکیب متجانس افکار شما با ملیشه ها.
البدر نشریه جزب در اروپا! من مستقل از رباني و حکمتیار تصمیم میگیرم (هدایت امین ارسلا)
فتح! بلا میکنی افرین به جرأتت!!
شهادت: نابینا ئی که دروغ میگفت!
فتح! اگر نابینا دروغ بگوید احتمالاً عذري خواهد داشت اما نگفتید شما بنیایان چه؟
محاذ: د امیر اطاعت کله واجب دی؟
فتح: د مسلمان لپاره د ژوند ترپای پوری او د نا مسلمان لپاره د مادي او مالی امکاناتو په پام کي نیولو سره.
شهادت: د مولوي محمدی مسئولانه او جرأتمندانه دریغ
فتح: که هر څومره جرئت ولري تاسو ته نرسبږی ځکه چی تاسو ډیر جرئتمندانه د کمونیست او وحشی دوستم سره یوځاي شوی.
شهادت: چرا ربانی استعفا نمي دهد؟
فتح! برای اینکه نمی خواهد کمونیست ها، ملیشه و افراد وابسته به اجانب به سر نوشت ملت حاکم گردد.
شهادت:رباني زیارباسی دمسعودپه ځای اسماعیل خان صحني ته وړاندی کړی
فتح: که دا خبره رښتیا وی فکر نکوچی څه عیب ولري ځکه مسعود او اسماعیل دواړه د ایمان او عقیدی وروڼه دی، خو تاسو ځواب را کړي چی څنگه مو د مسلمانانو په ځاي ملیشه او کمونستان صحنی ته راوستل.
شهادت: دستاورد گردهمائی قوماندانان در غزنی.
فتح: از سراسیمه گی و دست پاچگی شما معلوم می شود دستاوردش هر چه باشد برای شما ناگوار است.
شهادت: وفاداری جنبش در شوراي هم آهنگي ادامه خواهد یافت: (دوستم)
فتح: روی دروغگو سیاه تو که با رفقای هم پیك و کمونیستت (رفیق نجیب الله) وفادار نماندی چطور میتوانی بایاران مصلحتي وفادار بمانی.

طی یک حمله برق آسا:
ولسوالی چهار دره در ولایت کندز از وجود ملیشه ها تصفیه شد

رادیو افغانستان از ولایت کندز گزارش داد امروز یکشنبه ۲۵ ثور مجاهدین مستقر در ولایت کندز طی یك حمله برق آسا ولسوالی چهاردره را از تصرف نیروهای ملیشه بطور کامل تصفیه و پاکسازی نمودند.

گزارش می افزاید عملیات تصفیوی همچنان ادامه دارد.

فتح

انا فتحنا لك فتحاً مبینا

دور دوم نشراتی شماره نهم دوشنبه ۲۶ ثور ۱۳۷۳ هـ ش
۵ ذالحجة ۱۴۱۴ هـ ق. ۱۶ می ۱۹۹۴ م.

پاکستان په کابل کی بیا خپل سفارت پرانیزی

په کابل کی د پاکستان سفیر ښاغلی امیر عثمان ویلی دی چی پاکستان به خپله سفارتخانه په کابل کی ژر تر ژره بیا پرانیزی.
ښاغلی امیر عثمان ویلی دی چی ده د افغانستان اسلامی دولت رئیس محترم پروفیسور برهان الدین ربانی او په بهرنیو چاروکی ددولت وزیر داکترنجیب الله لفرائی سره لیدلی کتنی کړی او دسفارتخانی په بیا پرانستو وورسره خبری کړیدی.

دکابینې دکمیسون لخوا دسولې ۱۵ طرحې او کمیسیونونه سره هم غږي شول

کابل: دکابینې دسولې کمسیون له لورې دسولې پنځلس کمیسونونو طرحې او وراندیزونه یو او هم غږی شول.

په کابل کی د هغې غونډې په ترځ کی چی د محترم سید احمد علی جاوید د پلان وزیر تر مشرۍ لاندې جوړه شوې وه دا پریکړه وشوه.

دغې شورې ۱۵ طرحې او دسولې وراندیزونه متحد او هم غږی کړې تر څو د قیادت د انتخاب او ټاکلو لپاره زمینه مساعد شی.

ښاغلی جاوید دکابینې د کمسیون لخوا د شورې دغه واحده طرحه اعلان کړه چی په کبنې ویل شویدی چی په اوسنیو موجوده شرایطو کی عام انتخابات امکان نلری او مشکل کار دی نو یوه لویه اسلامی شورې او یا لویی جرگې په نوم دی یوه ویانده شورې جوړه شی.

پدغې شورې کی به په هرو شلو زرو کسانو یو نماینده او دکومې ولسوالی نفوس چی له شلو زرو کسانو نه کم وی هم یو نماینده به ترینه اخیستل کیږی.

په طرح کی راغلی دی چی له هر جهادی گوند نه به درهبر په شمول لس لس تنه نمایندگان د هر ولایت نه یوعالم، ځلوینټ قومی مشران او دکوچیانو نه ځلویښت تنه نمایندگان په شورې کبنې برخه ولری. دغه شورې به بیا جمهور رئیس ټاکی، اساسی قانون به جوړوی، د وسلو د ټولولو لپاره به قوانین تیاروی او ملی پرگې به جوړوی. په طرح کی ویل شوی چی دا شورې باید د جمهور رئیس د اقتدار د مودی نه لس ورځی مخکی جوړه شی ترڅو د اقتدار خلا رانشی- ددی شورې له جوړیدو سره به سمدستی د عمومی اوربند اعلان او دکابل نه وسلوال کسان ووځی او دکابل مواصلاتی لاری به پرانیستل کیږی.

بقیه سرمقاله

جمیعت هرگز قصد انحصار قدرت را نداشته و بر بقای خود در اقتدار از طریق اعمال زور اصرار ندارد به همین علت با آنکه بخش سنگین بار دفاع از انقلاب را در برابر دشمنان بدوش می کشد به همه سازمانهای اسلامی سهم شایسته در ساختار دولت قایل گردیده است.

رئیس دولت اسلامی افغانستان محترم استاد ربانی بارها تکرار نموده اند که بمجرد تشکیل شورایی که ممثل اراده مردم باشد بعد از ختم دوره مقرره قدرت را به آن تفویض خواهد کرد.

اکنون که قضایای کشور با طرح شورای وزیران که بر آیندی از مجموعه طرحهای داده شده توسط شورای اصلاحی و حوزه جنوبغرب و شورای قانوندانان و ... می باشد بسوی حل یابی نزدیك می شود باید حکمتیار از جنگ که از آن جز شکست و ناکامی دست آوردی نداشته است دست برداشته و بخواست ملت که همانا ختم جنگ و روی آوردن بسوی تفاهم و حل قضایا از طریق مراجعه به اراده ملت می باشد تسلیم گردد و به استمرار تراژیدی جنگ پایان بخشد.

دوستم ملحد دسته‌ء از ملیشه ها را به سرکردگی عبدالرحیم مشهوز به عباس کریمی از طریق پاکستان به حج فرستاد

هفته‌ء گذشته دسته‌ء از ملیشه های دوستم به سرکردگی عبدالرحیم مشهور به عباس کریمی طی یکی از پروازهای طیارات نظامی دوستم از مزارشریف به پشاور وارد پاکستان گردیدند. این دسته از سوی افراد حکمتیار وعده‌ء از طرفداران نیشنلزم ازبکی دوستم استقبال گردیده و دیدار هایی با بعضی از حلقات دست انداز در امور افغانستان نیز انجام دادند.

ناظران عقیده دارند که یکی از ماموریتهای مهم عباس کریمی در این سفر به عربستان سعودی آنست تا ازبکهای مسلمان مقیم سعودی را در مسلمان شدن دوستم متقاعد نموده کمك های مالی آنان را جلب نماید.

ولی چانس موفقیت او به علت شهرتش در بی ثباتی و تغییر موقف دادن و بدنبال منافع مادی رفتن در این سفر بسیار کم به نظر می رسد.

دولت استراتیژی صلح فعال و تفاهم را ...

هفته گذشته محترم استاد برهان الدین ربانی رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان ضمن مصاحبه با خبرنگاران داخلی وخارجی در کابل استراتیژی و سیاست دولت را در رابطه با مسایل جاری سیاسی ونظامی کشور تشریح نمودند که اینك بخش های از آنرا جهت مطالعه خوانندگان به نشر می سپاریم.

استاد در جواب سوال یکی از خبر نگاران که پرسید برای حل مسایل کشور غیر از راه جنگ طریق دیگری هم وجود دارد ویانه پاسخ دادند.

استراتیژی دولت استراتیژی صلحجویانه است، باوجود آنکه دولت توانائی دارد بسا مسایل را از طریق نظامی حل نماید: ولی میخواهیم قضایا ومشاکل کشور ما از طریق تفاهم حل وفصل گردد.

استاد در قسمت دیگری از صبت شان گفتند: دولت استراتیژی صلح فعال وتفاهم را تعقیب میکند. کسانیکه بقای شانرا در جنگ میبینند راه جنگ را اختیار نموده اند.

رئیس جمهور کشورمان افزودند: وضع فعلی نظامی به نفع دولت اسلامی به پیش میرود و ما از این ناحیه کاملاً مطمئن هستیم.

سربازان پاکستانی عضو سازمان ملل عازم بوسنیا می شوند

بر اساس توافقنامه امضاء شده میان ملل متحد و دولت پاکستان قرار است تعدادی از عساکر پاکستانی عضو سازمان ملل متحد به عنوان نیروهای باز دارنده ازجنگ عازم بوسنیا گردند. بی بی سی ضمن نشر این خبر می افزاید طبق قرار داد امضا شده اولین دسته سربازان پاکستانی که شامل ۲۰۰۰ نفر مي شود در ماه جون عازم بوسنیا می شوند قرار بوده این کار سال گذشته انجام شود ولي علت تأخیر آموزش تعلیمات سربازان ذکر گردیده است.

قابل ذکر است هزاران تن از سربازان پاکستانی عضو سازمان ملل در سومالی بسر میبرند که سال گذشته مورد حمله قرار گرفته و تعدادی از آنها به هلاکت رسیدند.

بار دیگر شهر کابل توسط ...

بی بی سی و منابع دیگر از کابل گزارش دادند عصر روز چهار شنبه و جمعه ۲۱و ۲۳ ثور پس از یك آرامش نسبی مجدداً مناطق مسکوني کابل مورد اصابت سلاحهای سنگین ملیشه ها قرار گرفت گزارش مي افزاید در جریان این حملات ناکام صدها راکت به طرف شهر پرتاب گردید.

تا زمان رسیدن گزارش از تعداد تلفات و خسارات وارده اطلاعی در دست نیست پرتاب راکت و هاوان از استقامت های جنوب بسوی شهر آغاز گردید. طبق گزارش خبرنگار بی بی سی اکثر راکت ها به خانه های مسکونی اصابت نموده است.

فتح

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان «خارج کشور»

صاحب امتیاز: جمعیت اسلامی افغانستان

تحت نظر هیئت تحریر

آدرس ما

G.P.O. BOX. 1102-

پشاور - پاکستان